



سیب ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

نسخه ۲۰

لول آپ

ادبیات فارسی ۳



دانلود اپ سیب ترش

سیب ترش در صفحات مجازی



SIBTORSH



SIBTORSH.OFFICIAL



سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگ‌های از افتخارات و رتبه برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی تهران

امیرمهدی پیری
پزشکی تهران



سمانه ملاطیفه
پزشکی تهران



ابوالفضل ارباب
پزشکی تهران



سینا حسنوند
پزشکی تهران



غزل یعقوب‌الاملی
پزشکی تهران



فرزاد آقایی
پزشکی تهران



مینا خالقی
پزشکی تهران



دانیال فتحی
پزشکی تهران



فاطمه سالمی
دندان پزشکی تهران



ثنا مهدوی یوسفی
دندان پزشکی تهران



محمد مهدی نوروزی
پزشکی تهران



حدیث سلیم‌خانزاده
پزشکی تهران



پرینان توکلی
دندان پزشکی تهران



مائده محمودی
دندان پزشکی تهران



نیکی مرجمکی
دندان پزشکی تهران



امیررضا کمالی
دندان پزشکی تهران



آریادادار
داروسازی تهران



کیانا میرزا امینی
داروسازی تهران



سید امیرحسین باطحی
داروسازی تهران



یاسین کرامتی
دندان پزشکی تهران



محمد امین جلودار
داروسازی تهران



محمد مهدی کاووسی
داروسازی تهران



محمد رضا حسین‌زاده
داروسازی تهران



زهراردوانی
داروسازی تهران



حسام الدین طباطبایی
داروسازی تهران



علی محمدی ملک‌دی
داروسازی تهران



رقيه پورمحمدعلی
داروسازی تهران



محمد متین‌خیر
داروسازی تهران



مرتضی زارع
فیزیوتراپی تهران



زهرالعیززاده
فیزیوتراپی تهران



علیرضا سنبلی
داروسازی تهران



مبینا الیاسی
داروسازی تهران



ریحانه آزادی
فیزیوتراپی تهران



آیدا امینی
فیزیوتراپی تهران



آیناز حسین‌زادگان
فیزیوتراپی تهران



علی سبزواری
فیزیوتراپی تهران



محمدپارسا مظاهری
پزشکی تهران



محمد مبین احسانی‌نیا
دندان پزشکی تهران



ساجده خدادادی
داروسازی تهران



زهرایز دانیان
فیزیوتراپی تهران



علیرضا حمزه‌لو
پزشکی تهران



محمد رضا سامنی
پزشکی تهران



کارو حسامی
پزشکی آزاد تهران



تینارحمانی
فیزیوتراپی تهران



ثمین‌آذر
پزشکی تهران



ساغر یزرگان
داروسازی تهران



مهین آخوندپور
پزشکی تهران



فاطمه محسنی‌دفرازی
پزشکی تهران





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگ‌های از افتخارات و رتبه برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی اصفهان

حسنا حسین زاهدانه
پزشکی اصفهان



علی‌دیناروند
پزشکی اصفهان



فاطمه اقلیانی
پزشکی اصفهان



آرمان صالحی
پزشکی اصفهان



محمد مهدی مولوی
پزشکی اصفهان



فاطمه نورائی فرد
پزشکی اصفهان



محمد رضامانی
پزشکی اصفهان



محمد حشهر قزیریایی
پزشکی اصفهان



آیدا محمدی ده‌چشمه
پزشکی اصفهان



پارسا باقری طادی
پزشکی اصفهان



مهدی حاج کرخوزانی
پزشکی اصفهان



علی محمد حسینی
پزشکی اصفهان



هستی چترایی
پزشکی اصفهان



نرگس شریفی مقدم
پزشکی اصفهان



زهرا فرح‌نیا
پزشکی اصفهان



رضا فخرالدینی
پزشکی اصفهان



نرگس میرحیدری
پزشکی اصفهان



تینا تدین
پزشکی اصفهان



اسما مهدیه نجف‌زادی
پزشکی اصفهان



عرشیا صادقی
پزشکی اصفهان



آیناز صالحی ابرقوئی
دندانپزشکی اصفهان



امیررضا غلام پورپوی
دندانپزشکی اصفهان



فاطمه عباسی
دندانپزشکی اصفهان



عرفان عسگری
دندانپزشکی اصفهان



زهرا السادات حسینی
داروسازی اصفهان



علیرضا سبطی‌لرانی
داروسازی اصفهان



مهدی فتحی
دندانپزشکی اصفهان



امیرحمزه مراد قجری‌فر
دندانپزشکی اصفهان



زهرا کیانی‌بری
داروسازی اصفهان



سحر سپهوند
داروسازی اصفهان



فاطمه اسماعیلی
داروسازی اصفهان



زینب ابراهیمی
داروسازی اصفهان



شریف گل‌کار
فیزیوتراپی اصفهان



علیرضا منصوری
فیزیوتراپی اصفهان



مریم توکلی
داروسازی اصفهان



فاطمه عورکی کنایری
داروسازی اصفهان



معصومه صباغی
پزشکی اصفهان



دانیال کاوندی
پزشکی اصفهان



حسن‌علیزاده
پزشکی اصفهان



حسین منصوری
فیزیوتراپی اصفهان



شقایق بذرافشان
پزشکی اصفهان



محمد حسین مقصودی
پزشکی اصفهان



شیدا امیری
پزشکی اصفهان



میثم اصلانی
پزشکی اصفهان



نرگس جهانگیری
پزشکی اصفهان



نگار احمدی
پزشکی اصفهان



سپاسم
پزشکی اصفهان



نیمابهرامی
پزشکی اصفهان



رضا رضایی‌فر
پزشکی اصفهان



محمد مهدی روستخا
پزشکی اصفهان



یسناسالاری
پزشکی اصفهان



حسنیه جهانگیری
پزشکی اصفهان





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگه‌ای از افتخارات و رتبه برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی اصفهان

حدیث‌جوادی
پزشکی اصفهان



دانیال یسلانی
پزشکی اصفهان



محمد صادق‌حکیمی
پزشکی اصفهان



هانیه زارع
پزشکی اصفهان



محمد جواد مزروعی
پزشکی اصفهان



یگانه معمار
پزشکی اصفهان



کیمیایزدانی
پزشکی اصفهان



زهرا شبانی
پزشکی اصفهان



احسان عبدالعظیمی
دندان پزشکی اصفهان



سید محمدایتی
پزشکی اصفهان



آیتنا موسی‌پورفرخانی
پزشکی اصفهان



متین جباری
پزشکی اصفهان



امیرحسین امیدی
دندان پزشکی اصفهان



فاطمه مرادی
دندان پزشکی اصفهان



محمد متین‌رحمتی
دندان پزشکی اصفهان



شمیم قوانلو
دندان پزشکی اصفهان



محمد آرمین باقری
دندان پزشکی اصفهان



احمدپورستار
دندان پزشکی اصفهان



نیلوفرسلطانی
دندان پزشکی اصفهان



حسین گریوانی
دندان پزشکی اصفهان



امیرحسین رکاب‌ساز
داروسازی اصفهان



متین پورعجم
دندان پزشکی اصفهان



سجاد کمالی‌اردکانی
دندان پزشکی اصفهان



امیرمحمد طالب‌زاده
دندان پزشکی اصفهان



زهرا خداحرمی
داروسازی اصفهان



احد عزیزی
داروسازی اصفهان



یاسین اخباری
داروسازی اصفهان



ایمان امام‌جمعه
دندان پزشکی اصفهان



یاسمن شیوایی
پزشکی اصفهان



ادیب صادقی
پزشکی اصفهان



ملیکا فرنقی
پزشکی اصفهان



محمد اصلانی
دندان پزشکی اصفهان



زهرا اکبری
پزشکی اصفهان



محمد قاسمی
داروسازی اصفهان



غزل ملازینل
پزشکی اصفهان



مهدی کاظمی
پزشکی اصفهان



نگین خان باباپور
پزشکی اصفهان



آریا رشیدی
پزشکی اصفهان



یاسمن شیوایی
پزشکی اصفهان



ارمغان مخلصی
پزشکی اصفهان





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگ‌های از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی بابل

فاطمه نژادزاده
پزشکی بابل



محمدزمان حسین‌زاده
پزشکی بابل



سید علی‌حجازی
پزشکی بابل



مهرناز قایان
پزشکی بابل



علی گرجی‌مهلبنی
دندانپزشکی بابل



علی قاسمیان‌امیری
پزشکی بابل



مهدیس قمری‌دورابی
پزشکی بابل



نرگس فاضلی‌کبریا
پزشکی بابل



هانیه فیروزجائیان
دندانپزشکی بابل



محمد بیکی‌فیروزجائی
دندانپزشکی بابل



محمدسعید فرخ‌نیا
دندانپزشکی بابل



دانیال برارزاده‌معلم
دندانپزشکی بابل



ابوالفضل شکری
پزشکی بابل



فهمیه‌روحي
فیزیوتراپی بابل



امیرحسین شیخ‌ویسی
فیزیوتراپی بابل



الهه رجبی
داروسازی بابل



مهدیارک‌گفاش
پزشکی بابل



ابوالفضل رحمتی
پزشکی بابل



آرتا قنبرزاده
پزشکی بابل



مانی محسنی‌انگوری
پزشکی بابل



سبحان‌فرهودی
پزشکی بابل



کیما اسماعیلی
پزشکی بابل



حانیه رستمی
پزشکی بابل



محمد عادل دوست
پزشکی بابل



عارف‌حیدری
پزشکی بابل



دانیال نوری
پزشکی بابل



فاطمه زهرامباغ
پزشکی بابل



امیرحسین قاسم‌نجاج
پزشکی بابل



علی اکبرقدیانی
دندان پزشکی بابل



حنانه کریمی‌راد
دندان پزشکی بابل



سعیدقورچایی
دندان پزشکی بابل



پرنیا ضمیریان
دندان پزشکی بابل



مطهره فیضی
فیزیوتراپی بابل



هستی توفیقیان
فیزیوتراپی بابل



مهدی رحیمیان
فیزیوتراپی بابل



ساغر شیروانی‌راد
فیزیوتراپی بابل



بنیامین سعادت
دندانپزشکی بابل



معصومه شریفی
پزشکی بابل



زینب‌زارع
پزشکی بابل



ستایش موسوی
فیزیوتراپی بابل





فصل یکم: ادبیات تعلیمی

درس ۱: شکر نعمت و اثرگان

۱- معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

مگر از آتش دوزخ بُودش روی رهایی

۲- با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد»

الف

کدام عبارت متن به ستار العیوب بودن خدا اشاره دارد؟

ب

معادل معنایی واژه های «مقرری و آبرو» را در متن درس اول بیابید.

۳- با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

قسیم جسیم نسیم وسیم

«شفیع مطاع نبی کریم

حسنت جمیع خصاله ملّوا علیه و آله

بلغ العلی بکماله کشف الدّجی بجماله

چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان»

الف

معادل معنایی واژه های «صاحب جمال و تاریکی» را بیابید.

ب

آرایه های بیت اول و سوم را بیابید.

دستور زبان

۴- در متن زیر، دو ترکیب اضافی و یک ترکیب وصفی بیابید.

«مَنّت خدای را عزّ و جَلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می رود، ممدّ حیات است و چون برمی آید، مفرّج ذات.»

۵- نقش تمامی کلمات را در مصراع زیر، تشخیص دهید.

«لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید»



۶- نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را در دو بیت زیر بنویسید و یک مورد حذف به قرینه معنوی در بیت اول بیابید.

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد

۷- یک ترکیب وصفی و دو ترکیب اضافی در بیت زیر بیابید.

«ملکا ذکر تو گویم که تو پاکّی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی»

۸- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید؟

الف

نوع پرسش را مشخص کنید. (تأکیدی - انکاری - ساده)

ب

تفاوت معنایی حرف «که» را در دو مصراع تشخیص دهید.

پ

«ش» در «شکرش» دارای کدام نقش دستوری است؟

ت

یک نقش تبعی در بیت بیابید و نوع آن را بنویسید.

۹- با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«فَراش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد. درختان را به خلعت نوری
قبای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

الف

نمونه‌ای از حذف به قرینه معنوی را در متن بیابید.

ب

در گروه اسمی «قبای سبز ورق» یک ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی مشخص کنید.

۱۰- نوع حرف «را» را در عبارت زیر تشخیص دهید.

الف باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده

ب

از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟

پ

دامنی پر کنم هدیه اصحاب را.

۱۱- با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری»



شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری»

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار

الف

مرجع ضمیر «همه» را در بیت دوم مشخص کنید.

ب

«واو» ربط و عطف را در دو بیت مشخص کنید.

پ

نمونه‌ای از حذف را بیابید و نوع آن را بنویسید.

۱۲ - با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«هر گه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حقّ جلّ و علا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند، بازش بخواند؛ باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند. حق، سبحانه و تعالی فرماید: دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم.»

الف

نقش و مرجع ضمائر «ش» را مشخص کنید.

ب

نوع ترکیب‌های اضافی یا وصفی را در گروه اسمی «بندگان گنهکار پریشان‌روزگار» مشخص کنید.

پ

نقش دستوری کلمات مشخص‌شده را بنویسید.

۱۳ - با توجه به ابیات زیر به سوال پاسخ دهید.

«کرم بین و لطف خداوندگار	گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار
گر کسی وصف او ز من پرسد	بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟
عاشقان کشتگان معشوق‌اند	بر نیاید ز کشتگان آواز»

الف

نوع پرسش را در بیت دوم مشخص کنید.

ب

هسته گروه اسمی را در عبارت «کشتگان معشوق» بیابید.

پ

مفهوم آیه «یا ملائکتی قد استحييت من عبدی و لیس له غیری فقد غفرت له» در کدام بیت آمده است؟

ت

نمونه‌ای از حذف را در بیت مقابل بیابید و نوع آن را بنویسید.

«کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار

ث

در بیت دوم مقصود از «بی‌دل» و «بی‌نشان» چه کسانی است؟

۱۴ - با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.



کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
کان را که خبر شد خبری باز نیامد»

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند

الف

کاربرد معنایی فعل «شد» را در دو بیت توضیح دهید.

ب

نوع «را» را در مصراع «کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» بنویسید.

پ

نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

ت

در بیت دوم، یک ترکیب اضافی و یک ترکیب وصفی بیابید.

۱۵ - هسته گروه‌های اسمی مشخص‌شده را در نمونه‌های زیر بیابید.

الف

هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است.

ب

در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب

پ

ورنه سزاوار خداوندی‌اش
کس نتواند که به جای آورد

ت

باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده.

ث

خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

ج

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد.

چ

وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

ح

این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند.

۱۶ - با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
کان را که خبر شد خبری باز نیامد»

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند

**الف**

نقش دستوری «پروانه» را بنویسید.

ب

یک وابسته پیشین بیابید و نوع آن را بنویسید.

۱۷ - با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«گویند که بطنی در آب روشنایی ستاره می‌دید. پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت.»

الف

دو وابسته پسین در متن بیابید و نوع آنها را بنویسید.

ب

نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۱۸ - با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.»

الف

صفات مبهم را در متن بیابید.

ب

ترکیب‌های وصفی و اضافی گروه اسمی «ثمرت این تجربت» را مشخص کنید.

۱۹ - نقش «همه» در هریک از موارد زیر را بنویسید.

الف

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم

ب

همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

پ

همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی

ت

همه نوری و سروری همه جودی و جزایی

ث

همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو پیوشی

ج

همه بیشی تو بکاهی همه کمی تو فزایی

چ

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید.



۲۰ - با توجه به خوانش دوگانه بیت «ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی/ نروم جز به همان ره که توأم راهنمایی»، نقش «م» در «توأم» را بنویسید.

آرایه‌های ادبی

۲۱ - ابیات زیر را به‌طور کامل از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید. (برای هر بیت حداقل سه آرایه ذکر شود).

الف

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان

قرابت معنایی

۲۲ - مفهوم مشترک موارد زیر را بنویسید.

- و امغان حلیهٔ جمالش به تحیر منسوب که «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ»

- هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی برکشد وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای

درس ۲: مست و هشیار | دستور زبان

۲۳ - ترکیب‌های اضافی بیت زیر را مشخص کنید.

«گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی»

۲۴ - نقش دستوری تمامی واژه‌های مصراع زیر را بنویسید.

«گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست.»

۲۵ - دربارهٔ کاربرد «را» در مصراع‌های زیر توضیح دهید.

الف

گفت: می‌باید تو را تا خانهٔ قاضی برم.

ب

گفت: تا داروغه را گوییم در مسجد بخواب.

پ

گفت: باید حد زند هشیارمردم مست را.

۲۶ - در هر یک از موارد زیر نقش هستهٔ گروه‌های اسمی مشخص‌شده را بنویسید.

الف

دست از مس وجود چون مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

**ب**

گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم گفت والی از کجا در خانه خمار نیست؟

پ

آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

ت

گفت: تا داروغه را گوئیم، در مسجد بخواب گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست

ث

این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

ج

گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان گفت کار شرع، کار درهم و دینار نیست

۲۷ - نقش دستوری ضمیر «ش» را در نمونه‌های زیر تشخیص دهید.

الف

نخستین بار گفتش کز کجایی؟

ب

بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟

پ

محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت.

۲۸ - با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«با محتسبم عیب مگوئید که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است.»

الف

نقش دستوری بخش‌های مشخص‌شده را بنویسید.

ب

کدام واژه ایهام دارد؟

پ

نقش دستوری واژه «مدام» را بنویسید.

۲۹ - با توجه به ابیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم
گفت مست: ای محتسب، بگذار و رو از برهنه کی توان بردن گرو؟

مَثَبِ آب خوردن ۲۰: بگیر

**الف**

نوع حرف «و» را در دو بیت بررسی کنید.

ب

کدام واژه منادا است؟

پ

نقش دستوری «م» را در مصرع اول و دوم بیت اول تشخیص دهید.

ت

نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

ث

یک نمونه حذف به قرینه معنوی بیابید.

۳۰- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی»

الف

سه آرایه ادبی در بیت بیابید و جایگاه آن را مشخص کنید.

ب

یک نمونه حذف به قرینه معنوی در بیت بیابید.

۳۱- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی»

الف

در قسمت‌های مشخص‌شده کدام آرایه ادبی به کار رفته است؟

ب

دو وابسته پیشین در متن بیابید و نوع آنها را بنویسید.

پ

در گروه‌های اسمی «غریق بحر خدا» و «آب هفت بحر» ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخص کنید.

ت

یک جمله ساده و یک جمله غیرساده در بیت بیابید.

۳۲- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«از پای تا سرت همه نور خدا شود در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی»

الف

در قسمت‌های مشخص‌شده کدام آرایه ادبی به کار رفته است؟

**ب**

مفهوم کلی بیت را بنویسید.

پ

«چو» در مصراع دوم، حرف اضافه است یا حرف ربط؟

۳۳- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

الف

دو آرایه ادبی در بیت بیابید و جایگاه آن را مشخص کنید.

ب

یک عبارت کنایی در متن بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

پ

نقش دستوری واژه «هیچ» را بنویسید.

۳۴- کاربرد معنایی «شد» را در هر یک از ابیات زیر، بررسی کنید.

الف

یقین، مرد را دیده بیننده کرد

شد و تکیه بر آفریننده کرد

ب

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

پ

بگفت: از دل شدی عاشق بدین سان؟

بگفت: از دل تو می‌گویی، من از جان

ت

این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند

کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

ث

گفت: «می بسیار خوردی، زان چنین بی‌خود شدی»

گفت: «ای بیهوده گو حرف کم و بسیار نیست!»

ج

خرامان بشد سوی آب روان

چنان چون شده باز جوید روان

آرایه‌های ادبی

۳۵- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.



تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

الف

آرایه ادبی در بیت بیابید و جایگاه آن را در بیت مشخص کنید.

ب

مفهوم کلی بیت را بنویسید.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۳۶- مفهوم کلی قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

الف

زین پیش دلاورا کسی چون تو شگفت

حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

ب

گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می‌روی

گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست

فصل دوم: ادبیات پایداری

درس ۳: آزادی و آزگان

۳۷- مفهوم واژه «همت» در بیت «همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است» با مفهوم همت در کدام گزینه یکسان است؟

الف) «همت اگر سلسله جنبان شود

مور تواند که سلیمان شود»

ب) «همت بدرقه راه کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نوسفرم»

دستور زبان

۳۸- در بیت «همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است» کدام واژه‌ها نقش دستوری یکسان دارند؟

۳۹- در بیت زیر کدام یک از ارکان جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت‌الحرز است

خانه‌ای کاو شود از دست آجانب آباد



۴۰- در مصراع دوم کدام گزینه، یک نقش دستوری حذف شده است که در مصراع دوم بیت «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت» نیز همان نقش دستوری، محذوف است؟

- الف) انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی چون فرّخی، موافق ثابت قدم نداشت
ب) در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هرکس که فکر جامعه را محترم نداشت
پ) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

۴۱- در بیت «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت» نقش دستوری واژه‌های «غم» را به‌ترتیب مشخص کنید.

۴۲- در بیت «جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بَدَر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است» کدام واژه‌ها نقش دستوری یکسان ندارند؟

- الف) جامه، جامه ب) غرقه، کم

۴۳- بیت «جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بَدَر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است» چند جمله دارد؟

۴۴- در بیت «هَمّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است» نقش دستوری گروه اسمی «طَرَفِ چمن» مسند است.

- الف) درست است. ب) نادرست است.

۴۵- بیت «هَمّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است» یک جمله مستقل مرکب است.

- الف) درست است ب) نادرست است

۴۶- در بیت «ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گفتار قفس هم چو من است» کدام واژه وابسته وابسته است؟ نوع وابسته وابسته را مشخص کنید.

آرایه‌های ادبی

۴۷- در بیت زیر کدام واژه‌ها در معنای مجازی به کار رفته‌اند؟ مفهوم مجازی آنها را بنویسید.

- الف) لب و دندان سنایی، همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی
ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌ال‌حزن است

۴۸- در بیت «در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هرکس که فکر جامعه را محترم نداشت»، کدام واژه در معنای «مجازی» به کار رفته است؟

- الف) فکر ب) جامعه پ) خرد

۴۹- در مصراع اول بیت «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت» مجاز و مفهوم آن را مشخص کنید.



۵۰- در بیت «خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌ال‌حزن است» کدام واژه‌ها به‌ترتیب «مشبّه‌به» و «مجاز» هستند؟

۵۱- در بیت «خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌ال‌حزن است» استعاره و مفهوم آن را بنویسید.

۵۲- در مورد آرایه‌های بیت «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت» کدام گزینه درست است؟
 (الف) جناس ناقص، تکرار، واج‌آرایی، تضاد، تناسب
 (ب) موازنه، جناس تام، واج‌آرایی، تضاد، جناس ناقص

۵۳- آرایه‌های ادبی هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

(الف) همّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است
 (ب) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۵۴- در بیت «آن کسی را که در این ملک، سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است» به ترتیب، منظور از «این مُلک» و «اهرمَن» چیست؟

تاریخ ادبیات

۵۵- غزل زیر با مطلع «ناله مرغ اسیر، این‌همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتارِ قفس، هم‌چو من است» از کیست؟

درس ۵: دماوندیه وازگان

۵۶- در گروه کلمات زیر، چند غلط املایی وجود دارد؟ درست آن را بنویسید.
 «شرزه شیر ارغند - اختر سعد - مردم نحس - عن غریب و نزدیک - خرسند و راضی - افسرده و یخزده - معجر سپید - اساس تزویر - حدث و گمان - اسیر بعثی - حوس آواز»

دستور زبان

۵۷- در کدام بیت، ضمیر پیوسته در نقش «مضاف‌الیه» جهش نیافته است؟

(الف) تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر، چهر دل‌بند
 (ب) نگذرد یاد گل و سنبل اندر خاطر تا به خاطر بود آن زلف و بناگوش مرا
 (پ) شمشیر زبان ای دل، کامت نکند حاصل در پنجه شیر عشق یک عمر زبون باید



۵۸- جمله‌های کدام گزینه به شیوهٔ بلاغی نیامده است؟

- (الف) این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند کان را که خبر شد خبری باز نیامد
(ب) چون گشت زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند
(پ) ای مادر سر سپید بشنو این پند سیاه‌بخت فرزند

۵۹- در بیت زیر، نقش دستوری کدام واژه‌ها با نقش دستوری واژهٔ قافیهٔ مصراع دوم یکی است؟

«ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند»

۶۰- در بیت‌های زیر ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخص کنید.

«تو مُشت درشت روزگاری از گردش قرن‌ها پس افکند
ای مُشت زمین بر آسمان شو بر وی بنواز ضربتی چند»

۶۱- ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخص کنید.

الف دیو سپید پای در بند:

ب برابر نیروهای دشمن:

پ عملیات احداث خاکریز:

ت اولین دقایق صبح:

ث این خاکریز هشت نه کیلومتری:

ج دبیرستان اندیشهٔ صعود:

۶۲- ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخص کنید.

الف لباس خیلی تمیز:

ب مسلک مرغ گرفتار قفس:

پ این بی‌خردان سفله:

**ت**

دادِ دلِ مردمِ خردمند:

ث

دانش‌آموز بسیار باهوش:

ج

این پند سیاه‌بخت فرزند:

آرایه‌های ادبی

۶۳ - کنایه‌های به‌کاررفته در بیت زیر را بررسی کنید.

برکش ز سر این سپیدمعجر
بنشین به یکی کبود اورند

۶۴ - در هر یک از موارد زیر آرایهٔ مقابل آن را مشخص کنید.

الف) برگن ز بُن این بنا که باید	از ریشه بنای ظلم برگند (تشبیه)
ب) تا واره‌ی از دم ستوران	وین مردم نحس دیو مانند (مجاز)
پ) چون گشت زمین ز جور گردون	سرد و سیه و خموش و آوند (تضاد)
ت) پنهان مکن آتش درون را	زین سوخته‌جان شنو یکی پند (مراعات نظیر و تناسب)

۶۵ - آرایهٔ مقابل کدام گزینه نادرست است؟ توضیح دهید.

الف) ای مشّت زمین بر آسمان شو (تشخیص و استعاره)
ب) تا واره‌ی از دم ستوران (مجاز و تشبیه)

۶۶ - در کدام بیت آرایهٔ «حُسن تعلیل» دیده می‌شود؟ توضیح دهید.

الف) تو قلب فسردهٔ زمینی
ب) تو مشّت درشتِ روزگاری

از درد ورم نموده یک چند
از گردش قرن‌ها پس افکند

۶۷ - در کدام بیت، حُسن تعلیل وجود ندارد؟

الف) ای مشّت زمین بر آسمان شو
ب) تا درد و ورم فرو نشیند

بر وی بنواز ضربتی چند
کافور بر آن ضماد کردند

پ) تا چشم بشر نبیندت روی
بنهفته به ابر چهر دل بند

۶۸ - آرایهٔ حسن تعلیل را در ابیات زیر توضیح دهید.

الف

چون گشت زمین ز جور گردون
بنواخت ز خشم بر فلک مشّت

سرد و سیه و خموش و آوند
آن مشّت تویی تو ای دماوند

**ب**

تا واره‌ی از دَم ستوران
با شیر سپهر بسته پیمان

وین مردم نحسِ دیو مانند
با اختر سعد کرده پیوند

پ

تا درد و ورم فرونشیند

کافور بر آن ضماد کردند

قرابت معنایی

۶۹ - مفهوم شعر زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- «سحر بر شاخسار بوستانی
برآور هر چه اندر سینه داری
(۱) شو منفجر ای دل زمانه
(۲) ای مادر سرسپید بشنو
(۳) برکش ز سر این سپیدمعجر
(۴) زین بی‌خردان سفله بستان
- چه خوش می‌گفت مرغ نغمه‌خوانی
سرودی، ناله‌ای، آهی، فغانی»
وان آتش خود نهفته می‌پسند
این پند سیاه‌بخت فرزند
بنشین به یکی کبوداورند
دادِ دلِ مردم خردمند

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۷۰ - بیت‌ها و عبارت‌های زیر را به ثر روان معنی کنید:

الف

ای دیو سپید پای در بند

ب

برکش ز سر این سپید معجر

پ

شما هر چه دستور بدهید، به دیده منت.

ت

بفرما بنشین. این جوری خیلی تابلو هستی.

ث

این جای کار را دیگر نخوانده بودیم.

ج

از سیم به سر یکی کله‌خود

ز آهن به میان یکی کمر بند



چ

با شیر سپهر بسته پیمان

با اختر سعد کرده پیوند

۷۱- چرا شاعر خطاب به دماوند چنین می‌گوید؟

«تو قلب فسردهٔ زمینی از درد و ورم نموده یک چند»

۷۲- ابیات زیر را به فارسی روان معنی کنید:

الف

شو منفجر ای دل زمانه

وان آتش خود نهفته می‌پسند

ب

پنهان مکن آتش درون را

زین سوخته جان شنو یکی پند

پ

تو قلب فسردهٔ زمینی

از درد ورم نموده یک چند

۷۳- مفهوم کلی ابیات زیر را بنویسید.

الف

از سیم به سر یکی گله‌خود

ز آهن به میان یکی کمر بند

ب

تا چشم بشر نبیندت روی

بنهفته به ابر، چهرِ دل بند

پ

تا واره‌ی از دم ستوران

وین مردم نحسِ دیوماند

با شیر سپهر بسته پیمان

با اختر سعد کرده پیوند

ت

زین بی‌خردان سفلہ بستان

دادِ دل مردم خردمند

۷۴- هر یک از ابیات زیر را به فارسی روان برگردانید.



الف

نی نی تو نه مشت روزگاری

ای کوه نی‌آم ز گفته خرسند

ب

تا درد و ورم فرو نشیند

کافور بر آن ضماد کردند

پ

خامش منشین، سخن همی گوی

افسرده مباحث، خوش همی خند

ت

گر آتش دل نهفته داری

سوزد جانت، به جانت سوگند

ث

ای مادر سرسپید، بشنو

این پند سیاه‌بخت فرزند

ج

بفکن ز پی این اساس تزویر

بگسل ز هم این نژاد و پیوند

فصل سوم: ادبیات غنایی

درس ۶: نی نامه

۷۵- واژه «تا» در کدام گزینه معنای متفاوت دارد؟

الف) کز نیستان تا مرا بیریده‌اند

در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

ب) سینه خواهم شرحه‌شرحه از فراق

تا بگویم شرح درد اشتیاق

پ) تا چو خواجه عالم رندی مسخر کرده‌ایم

زلف ساقی دستگیر و جام می دستور ماست

۷۶- با توجه به معانی گوناگون واژه «دستور» مشخص کنید که در هریک از گزینه‌ها در کدام یک از معانی «اجازه / وزیر / راهنما» به کار رفته است؟

الف) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست

لیک کس را دید جان دستور نیست

ب) گرایدونک دستور باشد کنون

بگوید سخن پیش تو رهنمون

پ) چه نیکو گفت با جمشید، دستور

که با نادانان نه شیون باد و نه سور

ت) تا چو خواجه عالم رندی مسخر کرده‌ایم

زلف ساقی دستگیر و جام می دستور ماست



۷۷- در بیت زیر غلط‌های املایی را بیابید و اصلاح کنید.

آب حیات در لب اینان به زن من
کز لوله‌های چشمه کوثر مکیده‌اند

دستور زبان

۷۸- در متن «چون حق تعالی بنده‌ای را گزید و مستغرق خود گردانید، هرکه دامن او را بگیرد و از او حاجت طلبد، بی‌آنکه آن بزرگ یاد کند و عرضه دهد، حق، آن را برآرد.»:

الف

فعل «بگیرد» ماضی التزامی است یا مضارع التزامی؟

ب

نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را به ترتیب، بنویسید.

۷۹- در ابیات زیر به‌ترتیب، چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی وجود دارد؟
«من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم
نی حدیث راه پر خون می‌کند قصه‌های عشق مجنون می‌کند»

۸۰- نقش دستوری کدام‌یک از واژه‌های مشخص‌شده با بقیه متفاوت است؟ توضیح دهید.

«من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم
هرکسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من»

۸۱- معطوف در کدام گزینه، تابع نقش دستوری «متمم» است؟

- الف) در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند
- ب) جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم
- پ) لیک چشم و گوش را آن نور نیست
- ت) تا درد و ورم فرو نشیند

۸۲- باتوجه به بیت «من به هر جمعیتی نالان شدم / جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم» به سؤالات پاسخ دهید.

الف

چند وابسته پیشین و پسین گروه اسمی وجود دارد؟

۸۳- در بیت‌های زیر، نقش دستوری واژگان مشخص‌شده را بنویسید.

الف

هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش بازجوید روزگار وصل خویش

**ب**

مَر، زبان را مشتری جز گوش نیست

محرم این هوش جز بی‌هوش نیست

پ

قصه‌های عشق مجنون می‌کند

نی حدیث راه پر خون می‌کند

ت

چون من در آن حضرت رسم و تاب آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید.

۸۴ - بیت زیر چند جمله است؟ هر یک از جملات را مشخص کنید.

تو بمان، ای آنکه جز تو پاک نیست»

«روزها گر رفت، گو رو، باک نیست

آرایه‌های ادبی

۸۵ - در بیت «آتش است این بانگ نای و نیست باد / هرکه این آتش ندارد نیست باد»، استعاره و مفهوم آن را مشخص کنید.

۸۶ - در بیت زیر، آرایه‌های «کنایه، استعاره، جناس و تکرار» را مشخص کنید.

هرکه بی‌روزی است روزش دیر شد»

«هرکه جز ماهی، ز آبش سیر شد

۸۷ - در کدام بیت‌ها «نماد و تمثیل» به عارف واصل وجود دارد؟

از جدایی‌ها شکایت می‌کند

الف) بشنو از نی چون حکایت می‌کند

هر که بی‌روزی است روزش دیر شد

ب) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد

در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

ج) از نیستان تا مرا ببریده‌اند

۸۸ - در ابیات زیر، موارد خواسته‌شده را مشخص کنید.

قصه‌های عشق مجنون می‌کند

«نی حدیث راه پر خون می‌کند

تو بمان، ای آنکه جز تو پاک نیست

روزها گر رفت گو رو باک نیست

پس سخن کوتاه باید والسلام»

در نیابد حال پخته هیچ خام

الف

منظور از «تو» در بیت دوم چیست؟

ب

تشخیص را در بیت دوم مشخص کنید.

پ

کدام مصراع به‌صورت ضرب‌المثل به کار می‌رود؟

ت

تلمیح را بیابید و در مورد آن توضیح دهید.

**ث**

مجاز را در بیت دوم مشخص کنید.

۸۹- در هر یک از ابیات زیر «استعاره» را بیابید.

الف

بشنو این نی چون شکایت می‌کند

از جدایی‌ها حکایت می‌کند

ب

آتش عشق است کاندلر نی فتاد

جوشش عشق است کاندلر می فتاد

پ

نی، حریف هر که از یاری برید

پرده‌هایش پرده‌های ما درید

ت

محرّم این هوش جز بی‌هوش نیست

مر زبان را مشتری جز گوش نیست

۹۰- جناس‌های ناهمسان را در ابیات زیر بررسی کنید.

الف) دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا زهره شیر است مرا زهره تابنده شدم
 ب) همه را کار شراب است و مرا کار خراب همه را باده به دست است و مرا باد به دست
 ج) زاغی از آن‌جا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید

۹۱- آرایه‌های اسلوب‌معادله و جناس همسان را در ابیات زیر بررسی کنید.

الف

دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست

جای چشم ابرو نگیرد گرچه او بالا نشست

ب

دل گردون نمی‌سوزد به آه آتشین ما

به دود تلخ، آب از دیده مجمر نمی‌آید

پ

نی، حریف هر که از یاری برید

پرده‌هایش پرده‌های ما درید

ت

عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را

دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را



ث

هر که این آتش ندارد، نیست باد

آتش است این بانگ نای و نیست باد

ج

مر زبان را مشتری جز گوش نیست

محرم این هوش جز بی‌هوش نیست

۹۲ - آرایه‌های بیت «محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست» در کدام گزینه درست آمده است؟

- الف) استعاره - جناس - پارادوکس - تمثیل - تلمیح
 ب) کنایه - تشبیه - اسلوب معادله - آدم‌نمایی - واج‌آرایی
 پ) کنایه - متناقض‌نما - مجاز - تشخیص - اسلوب معادله

قرابت معنایی

۹۳ - هریک از ابیات زیر با کدام گزینه مفهوم یکسان دارند؟

- ۱ - روزها گر رفت گو رو باک نیست
 ۲ - هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش
 ۳ - هرکسی از ظنّ خود شد یار من
 الف) زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر
 ب) در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز
 پ) ما ز دریاییم و دریا می‌رویم
- تو بمان ای آن‌که جز تو پاک نیست
 بازجوید روزگار وصل خویش
 از درون من نجست اسرار من
 بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست
 هرکسی بر حسَبِ فکر، گمانی دارد
 ما ز بالاییم و بالا می‌رویم

۹۴ - کدام گزینه به مفهوم «كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَى أَصْلِهِ» اشاره ندارد؟ توضیح دهید.

- الف) تو برای وصل کردن آمدی
 ب) هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش
 پ) جان که از عالم علوی است یقین می‌دانم
- نی برای فصل کردن آمدی
 باز جوید روزگار وصل خویش
 رخت خود باز برآتم که همانجا فکنم

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۹۵ - شاعر در بیت زیر، شنونده را برای بهره بردن از سخنان گوینده، به چه چیزی فرا خوانده است؟

«مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد»

۹۶ - در بیت «هرکه جز ماهی، ز آبش سیر شد / هرکه بی‌روزی است، روزش دیر شد»، منظور از قسمت‌های مشخص شده چیست؟

۹۷ - هریک از مفاهیم را به بیت مربوط به آن وصل کنید.

- الف) آتش عشق است کاندر نی فتاد / جوشش عشق است کاندر می فتاد. ۱. نقش ظرفیت وجودی افراد در تأثیرپذیری از عشق
 ب) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست. ۲. تمام اتفاقات جهان از عشق است.
 پ) هرکه جز ماهی ز آبش سیر شد / هرکه بی‌روزی است روزش دیر شد. ۳. اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق



درس ۷: در حقیقت عشق واژگان

۹۸ - در گروه کلمات زیر یک غلط املایی وجود دارد؛ آن را بیابید و صحیح آن را بنویسید.
«ایثار و فداکاری - سودای عشق - منزل و مأوا - مهنت و اندوه - وصولِ حُسن - غایت عشق»

۹۹ - معنی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.
الف) با جان بودن به عشق در سامان نیست.
ب) ای عزیز! پروانه، قوت از عشقِ آتش خورد.
ج) محبت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند.

دستور زبان

۱۰۰ - اجزای جمله زیر را مشخص کنید و بنویسید چندجزئی است؟
«او بنده خود را عاشق خود کند.»

۱۰۱ - واژه مشخص‌شده در عبارت زیر چه نقشی دارد؟
«هیچ‌کس نبینی که او را به جمال میلی نباشد.»

۱۰۲ - جمله‌های عبارت زیر را از نظر اجزای آن بررسی کرده و اجزای آنها را مشخص کنید.
«حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب.»

۱۰۳ - در عبارت زیر نقش واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.
«آنگاه که آتش عشق، او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند.»
الف ب ج

۱۰۴ - نقش واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.
«هرکه عاشق نیست، خودبین و پرکین باشد و خود را بُد.»
الف ب ج

۱۰۵ - در عبارت زیر یک جمله چهارجزئی با مفعول و مسند آمده است. آن را بیابید و اجزای آن را مشخص کنید.
«محبت چون به غایت رسد آن را عشق می‌خوانند.»

۱۰۶ - در کدام گزینه جمله‌ای با مفعول و مسند آمده است؟ اجزای آن را مشخص کنید.
۱) محبت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند.

۲) عشق خاص‌تر از محبت است، زیرا که همه عشقی، محبت باشد.

۳) پس چون نیک اندیشه کنی همه طالب حُسن‌اند.

۴) آنگاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید: تو عاشق و محب مایی.



۱۰۷- در بیت زیر کدام واژه در معنای مجازی آن به کار رفته است؟ مفهوم آن را بنویسید.
«ای جویبار جاری! زین سایه برگ، مگریز کاین گونه فرمت از کف، دادند بی‌شماران»

۱۰۸- در بیت زیر آرایه «پارادوکس» را بیابید و توضیح دهید.
«باز آکه در هوایت، خاموشیِ جنونم فریادها برانگیخت از سنگِ کوهساران»

۱۰۹- در عبارات و ابیات زیر آرایه‌های به‌کار رفته را مشخص کنید.

الف

در عشق کسی قدم نهد کُش جان نیست با جان بودن به عشق در سامان نیست

ب

عشق، بنده را به خدا برساند؛ پس عشق از بهر این معنی، فرضِ راه آمد. کار طالب آن است که در خود جز عشق نطلبد. وجود عاشق از عشق است؛ بی عشق چگونه زندگانی کند؟! حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب.

پ

ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران بیداری ستاره در چشمِ جویباران

قرابت معنایی

۱۱۰- دربارهٔ ارتباط معنایی دو عبارت زیر توضیح دهید.
الف) بی‌عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟ یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است
ب) حیات از عشق می‌شناس و ممات بی عشق می‌یاب.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۱۱- با توجه به بیت زیر، چه مفهومی را می‌توان برداشت کرد؟
«من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو»

۱۱۲- مفهوم بیت «پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند / دیوارِ زندگی را زین گونه یادگاران» چیست؟



۱۱۳ - در کدام گزینه واژه‌ای در مفهوم «نمادین» به کار رفته است؟ مفهوم آن را بنویسید.

- ۱) هر چه موجودند از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند.
- ۲) عشق خاص‌تر از محبت است، زیرا که همه عشقی، محبت باشد.
- ۳) اول پایه، معرفت است و دوم پایه، محبت و سیم پایه، عشق.
- ۴) پروانه قوت از عشق آتش خورد؛ بی‌آتش، قرار ندارد.

تاریخ ادبیات

۱۱۴ - رساله «فی حقیقه العشق» اثر کیست؟

۱۱۵ - «م. سرشک» تخلص کدام شاعر معاصر است؟

فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

درس ۸: از پاریز تا پاریس واژگان

۱۱۶ - واژه «طاق» در هر بیت، به چه معناست؟

- | | |
|--|---|
| الف) طاق‌پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف | بر نَمط عشق اگر پای نهی طاق نه (خاقانی) |
| ب) نهاده به طاق اندرون تخت زر | نشانده به هر پایه‌ای در گهر (فردوسی) |
| پ) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است | چون روی پری‌رویان با رنگ و نگار است (منوچهری) |

دستور زبان

۱۱۷ - در هریک از گروه‌های اسمی زیر، نوع وابسته وابسته مشخص‌شده را تعیین کنید.

الف سه دست لباس ایرانی

ب رنگ سبز چمنی

۱۱۸ - نمودار گروه اسمی «دو تخته فرش» را رسم کنید و نوع وابسته وابسته را در آن تعیین نمایید.

۱۱۹ - در عبارت «بعد از خواندن این مطلب، متوجه شدم که دنیا عجیب فراموش کار است! بیست‌سی سال پیش چه کارها کرده!»:

الف نوع وابسته وابسته را بنویسید.

ب نمودار گروه اسمی را که در آن وابسته وابسته آمده، رسم کنید.



۱۲۰ - در بیت زیر «وابسته وابسته» را مشخص کنید و نمودار پیکانی آن را رسم نمایید.
«هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش»

۱۲۱ - در بیت «محرم این هوش جز بی‌هوش نیست/ مر زبان را مشتری جز گوش نیست»:

الف وابسته وابسته را مشخص کنید.

ب نوع وابسته وابسته را بنویسید.

۱۲۲ - نمودار پیکانی هر یک از گروه‌های اسمی زیر را بکشید.

الف پنج جفت جوراب

ب کتاب برادران کارامازوف

پ متولدین سیزده آبان

ت بچه‌های کدام محله؟

ث خاطره‌انگیز بودن این اتفاق

ج سه فروند هواپیما

۱۲۳ - نمودار پیکانی وابسته وابسته را در گروه‌های زیر ترسیم کنید.

الف) نظر این دانش‌آموز (ب) هوای نسبتاً خنک

ج) راه مدرسه دوست‌داشتنی (د) پنج فروند هواپیما

آرایه‌های ادبی

۱۲۴ - آرایه‌های مشخص‌شده در بیت زیر را بیابید.

صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نیش نام نهادند

الف) تشبیه: (ب) تشخیص:

ج) حُسن تعلیل: (د) تناسب:

ه) اغراق: (و) مجاز:



۱۲۵ - نام چهار آرایهٔ بیت زیر را بنویسید.

کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟

۱۲۶ - عبارت و بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

(الف) یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.

(ب) کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟

(پ) دل‌گرمی و دم‌سردی ما بود که گاهی مردادمه و گاه دی‌اش نام نهادند

قرابت معنایی

۱۲۷ - بیت «راستی خاتم فیروزه بواسحاقی / خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود»، چه مفهوم مشترکی با نوشتهٔ زیر دارد؟
«آخرین چراغ امپراتوری روم را موسولینی روشن کرد که چند صبحی تا حبشه و قلب آفریقا نیز پیش راند اما همه می‌دانیم که دولت مستعجل بود.»

۱۲۸ - با توجه به متن درس «از پاریز تا پاریس»، «دولت مستعجل» یادآور کدام بیت از حافظ است؟ دریافت خود را از آن بنویسید.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۲۹ - عبارت زیر، یادآور کدام مثل است؟

«از بیم عقرب جرّارهٔ دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیهٔ حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.»

۱۳۰ - مفهوم کلی هر بیت را مقابل آن در جدول بنویسید.

بیت	مفهوم کلی
صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب	
تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند	
آیین طریق از نفَس پیر مغان یافت	
آن خضر که فرخنده‌پی‌اش نام نهادند	

۱۳۱ - معنی ساده و روان بیت زیر را بنویسید.

طاق‌پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف بر تَمَطِّ عشق اگر پای نهی طاق نه

۱۳۲ - معنی ساده و روان بیت زیر را بنویسید.

آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده‌پی‌اش نام نهادند

۱۳۳ - معنی ساده و روان عبارت زیر را بنویسید.

«از بیم عقرب جرّارهٔ دموکراسی قرن بیستم، ناچار به مار غاشیهٔ حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.»



درس ۹: کویر وازگان

۱۳۴ - در گروه کلمات زیر ۴ غلط املایی وجود دارد. آنها را بیابید و صحیح هر یک را بنویسید.
«آب زلال - قاضی عادل - عزیمت خوان - حیات محقر - اسرار هستی - سخره کویر - عطر الهام - باران غیبی - تلالو خورشید - قندیل پروین - نشعه معنوی - سموم سرد - گشت و گذار - مضمون شعر - اذان باد - بساط حلوا - حد و حصر - معمور شهربانی - قاب دیوار»

دستور زبان

۱۳۵ - در کدام گروه‌های اسمی زیر، «وابسته وابسته» به‌کار رفته است؟ نوع هر یک را مشخص کنید.

سه دست لباس ایرانی

تموز سوزان کویر

این معمار خوش‌ذوق

قلب آن کویر

شاگرد حوزه ادبی

هوای نسبتاً پاک

۱۳۶ - عبارت زیر را با توجه به موارد «الف» و «ب» بررسی کنید.

آن شب نیز من خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و به نظاره آسمان رفته بودم.

الف) نوع جمله‌ها ب) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده

۱۳۷ - نوع وابسته وابسته را در بیت مقابل بنویسید. «ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

۱۳۸ - گروه‌های اسمی عبارت زیر را مشخص کنید.

«مدتی بعد تفنگ خفیف به دستم دادند.»

آرایه‌های ادبی

۱۳۹ - آرایه‌های ادبی را در بند «نهم» درس «کویر» مشخص کنید.

۱۴۰ - در عبارت: «زندگی دیرین و شیرین را از سر گرفتند.» چهار آرایه ادبی بیابید.

قرابت معنایی

۱۴۱ - مضمون کلی هر سروده زیر، از سهراب سپهری، با کدام بخش از متن درس «کویر» ارتباط دارد؟

الف) در کف‌ها کاسه زیبایی، / بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر / ره می‌بر با پای دگر.

ب) من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو / من نمازم را پی تکبیر الاحرام علف می‌خوانم / پی‌قد قامت

موج

۱۴۲ - نویسنده در دو عبارت: «نگاه مردم لوکس آسفالت‌نشین شهر» و «دهاتی‌های کاهکش کویر» چه مفهومی را جستجو می‌کند؟



۱۴۳ - مفهوم مشترک عبارات: «کارمان از زندگی پر زرق و برق کدخدایی و کلاتری به یک اتاق کرایه‌ای در یک خانه چند اتاقی کشید.» و «شاهین تیزبال افق‌ها بودم، زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم» چیست؟

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۴۴ - عبارت: «آن شب بر روی بام خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا» در بستر خویش به خواب رفتم.» به چه آیه و مطلبی اشاره دارد؟

۱۴۵ - متن درس «کویر»، بخشی از «سفرنامه» محسوب می‌شود یا «حسب‌حال»؟ دلیل خود را بنویسید.

۱۴۶ - منظور از عبارت: «کلمات را کنار زنید و در زیر آن روحی را که در این تلقی پنهان است تماشا کنید.» چیست؟

۱۴۷ - با توجه به درس «کویر» از «علی شریعتی» منظور از موارد مشخص‌شده چیست؟
ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را همچون این شیعه گمنام و غریبش در کنار آن مدینه پلید می‌گریست:

۱۴۸ - با توجه به متن درس «بوی جوی مولیان»، مفهوم مشترک «آب جیحون فرونشست و ریگ آموی پرنیان شد» چیست؟

۱۴۹ - مفهوم شعر: «در کفها کاسه زیبایی/ بر لبها تلخی دانایی/ شهر تو در جای دگر/ ره می‌بر با پای دگر.» چیست؟

۱۵۰ - عبارت: «این دریای سبز معلق» برگرفته از چه شعری و سروده کدام شاعر است؟

تاریخ ادبیات

۱۵۱ - کتاب «کویر» اثر دکتر علی شریعتی، سفرنامه است یا حسب حال؟

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

درس ۱۰: فصل شکوفایی آرایه‌های ادبی

۱۵۲ - در کدام گزینه‌ها، استعاره به‌کار رفته است؟ معنی استعاره آنها را بنویسید.

۱- چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو

۲- با این نسیم سحرخیز، اگر جان سپردیم / در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو

۳- این فصل، فصل من و دوست، فصل شکوفایی‌ها / برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و دوست



۱۵۳ - آرایه‌های ادبی بیت زیر را بیابید و بنویسید.

«غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو»

قرابت معنایی

۱۵۴ - کدام بیت با بیت: «ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردد تبه نام و گفتار پاک» مفهوم مشترکی دارد؟

- | | |
|------------------------------|-----------------------------|
| الف) اگر نیک باشی بماندت نام | به تخت کی‌ای بر بوی شادکام |
| ب) به نیکی بود شاه را دسترس | به بد روز گیتی نجسته است کس |
| ج) به تدبیر دستور دانشورش | به نیکی بشد نام در کشورش |

تاریخ ادبیات

۱۵۵ - در عبارات زیر، جاهای خالی را، به‌درستی، پر کنید.

الف کتاب «بخارای من ایل من» اثر است.

ب کتاب نوشته «ظهیری سمرقندی» است.

درس ۱۱: آن شب عزیز واژگان

۱۵۶ - معنی واژه «محضر» را در عبارتهای زیر بنویسید.

- | | |
|---|-----------------------------------|
| الف) شاهد نیاز نیست که در <u>محضر</u> آورند | در دادگاه عشق رگ گردنت گواه |
| ب) خروشید و برجست لرزان ز جای | بدرید و بسپرد <u>محضر</u> به پای |
| ج) هفته‌ها در دام تب چون میبید ماند | <u>محضرش</u> خالی ز عمرو زید ماند |

۱۵۷ - معنی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

الف ای روضه مجسم گودال قتلگاه

ب شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

پ آه این سر بریده ماه است در پگاه

ت ای مسلم شرف به کجا می‌کنی نگاه؟

۱۵۸ - معنی واژگان مشخص‌شده را بنویسید.

**الف**دوباره به من تشر زدید.**ب**تعلّل کردند، موظفشان کردید.**پ**دستتان را حمایل کرده بودید.**ت**بر بالای تلّ خاکی ایستادید.

۱۵۹ - معنی واژگان مشخص شده را در عبارت‌های زیر بنویسید.

الف

شبح شما را در تاریکی تعقیب می‌کردم.

ب

تا باز کند به روی عالم

دیبچه خاطرات شیرین**پ**تا لاله دهد به سبزه زیور**ت**کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت۱۶۰ - از میان واژگان زیر، املاي کدام واژه، به هر دو شکل صحیح است؟
«اتراق / اطراق»، «جناق / جناغ»، «حتاکی / هتاکی»، «حمایل / همایل».

۱۶۱ - کلمات نادرست املایی را با توجه به معنی تشخیص دهید و تصحیح کنید.

«تلّ و تپّه خاکی - شبه و سایه - استخوان جناغ سینه‌تان - طشر زدن و سرزنش کردن - تعلّل و بهانه گرفتن - صدای محیب - زله و بیچاره - بی‌حفاظ و بی‌پوشش - انحدام تیربار دشمن - هضم کردن و گوارش - تمایل و خاسته»

۱۶۲ - در متن زیر، غلط‌های املایی را بیابید و اصلاح کنید.

«نگذارید هیچ تمایل و خاسته‌ای بر شما مسلط شود. توپخانه شروع کرده بود و صدای محیب آن صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود هزم می‌کرد.»

۱۶۳ - در هر عبارت، املاي کلمه‌ای نادرست است، آن را اصلاح کنید.**الف**بر بالای طلّ خاکی ایستاده بودید. چفیه بر گردن و کلت به کمر و برای بچه‌ها صحبت می‌کردید.

**ب**

از شامۀ قوی شما تشخیص بوی حمله قریب نیست.

دستور زبان

۱۶۴ - در متن زیر، ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخص کنید.

«افتخارم این است که خودم با پای لنگ، شما را به خط رساندم و بیهوش شدم و حالا دل‌خوش‌ام به این است که هر روز صبح با این یک پا و دو عصا به اینجا بیایم. گرد قاب عکستان را پاک کنم و سنگتان را بشویم، گلداتان را آب بدهم و خاطراتم را با شما مرور کنم. هر روز چیزهای بیشتری از آن شب عزیز یادم می‌آید. به همین زنده‌ام آقا!»

آرایه‌های ادبی

۱۶۵ - در کدام بیت‌ها ایهام دیده می‌شود؟

- (الف) از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک
ای مسلم شرف به کجا می‌کنی نگاه؟
(ب) ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد
یوسف بگو که هیچ نیاید برون ز چاه
(ج) نه در شیراز و نه در شهر گنجه
نظامی می‌شوم در قصر شیرین

۱۶۶ - آرایه‌های به‌کار رفته در ابیات و عبارات زیر را بنویسید.

الف

گرم و پرشور حرف می‌زدید و طنز و شوخی از کلماتان نمی‌افتاد. از صحبت‌هایتان پیدا بود که حمله در کار است.

ب

گفتید: «فرمت چرتی شاید باشد اما سیر خواب نباید شد. خواب را مزمه کنید، بچشید ولی سیر نخواستید، ایستاده یا نشسته بخوابید، آن‌چنان که بی‌کم‌ترین صدا برخیزید.»

پ

خورشید، بی‌حفاظ نشسته به روی خاک؟
یا ماه بی‌ملاحظه افتاده بین راه؟

ت

ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد
یوسف، بگو که هیچ نیاید برون ز چاه

قرابت معنایی

۱۶۷ - دربارهٔ ارتباط معنایی موارد زیر توضیح دهید.

(الف) دیدم که از مچتان خون می‌ریزد. آن را در زیر بغل چپتان پنهان کردید؛ اوّل فکر کردم که پنهان کردید ولی وقتی دستتان را با خشونت از زیر بغل کشیدید و صورتتان بی‌اختیار مچاله شد، فهمیدم که دست را از مچ کنده‌اید، با چه قدرتی! با چه ایمانی!

- (ب) کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت
با زخم، نشان سرفرازی نگرفت
زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت
حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!



۱۶۸ - برای هر یک از ابیات زیر مفهوم مناسب بنویسید.

الف

شاهد نیاز نیست که در محضر آورند در دادگاه عشق رگ گردنت گواه

ب

حُسن شهادت از همه حُسنی فراتر است ای محسن شهید من، ای حُسن بی‌گناه

پ

دارد اسارت تو به زینب اشارتی از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟

ت

از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک؟ ای مسلم شرف، به کجا می‌کنی نگاه؟

فصل ششم: ادبیات حماسی

درس ۱۲: گذر سیاوش از آتش و اژگان

۱۶۹ - معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

- (۱) به دستور فرمود تا ساروان
- (۳) همی ریخت آب و همی خست روی
- (۵) چنان آمد اسب و قباي سوار
- (۲) بشویم کنم چاره دل گسل
- (۴) ز دل ترس و اندیشه بیرون کنیم
- (۶) ز فرزند و سودابه نیک‌پی

دستور زبان

۱۷۰ - در هر یک از موارد زیر «وابسته وابسته» و نوع آن را مشخص کنید.

الف

وزین دختر شاه هاموران پیراندیشه گشتی به دیگران کران

ب

چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند



پ

یکی تازی ای برنشسته سیاه

همی خاک نعلش برآمد به ماه

ت

به نیروی یزدان نیکی دهش

کزین کوه آتش نیابم تپش

۱۷۱ - بیت‌هایی که به شیوه بلاغی سروده شده‌اند، به شیوه عادی برگردانید.

الف

چنین گفت موبد به شاه جهان

که درد سپهید نماند نهان

ب

که هر چند فرزندی هست ارجمند

دل شاه از اندیشه یابد گزند

پ

چنین پاسخ آورد سودابه پیش

که من راست گویم به گفتار خویش

ت

پراندیشه شد جان کاووس‌کی

ز فرزند و سودابه نیک‌پی

ث

بدان گاه سوگند پرمایه شاه

چنین بود آیین و این بود راه

ج

وز آن پس به موبد بفرمود شاه

که بر چوب ریزند نفت سیاه

چ

سیاوش بیامد به پیش پدر

یکی خود زرین نهاده به سر

۱۷۲ - در بیت‌های زیر گروه‌های اسمی را بیابید و نوع ترکیب‌ها را بنویسید.

که رایت چه بیند کنون اندرین؟

الف) به پور جوان گفت شاه زمین

دمیدند گفتی شب آمد به روز

ب) بیامد دو صد مرد آتش فروز

بر آن چهر خندانش گریان شدند

پ) سراسر همه دشت بریان شدند



۱۷۳ - با توجه به ویژگی‌های حماسه (داستانی، قهرمانی، ملی و خرق عادت)، هر یک از ابیات زیر دربردارنده کدام ویژگی است؟ علت را توضیح دهید.

الف) بدان‌گاه سوگند پرمایه شاه	چنین بود آیین و این بود راه
ب) سیاوش بیامد به پیش پدر	یکی خود زرین نهاده به سر
پ) چو او را بدیدند برخاست غو	که آمد ز آتش برون شاه نو

۱۷۴ - هر یک از ابیات زیر بیانگر کدام یک از زمینه‌های حماسه است؟

الف

زهر در سخن چون بدین گونه گشت
بر آتش یکی را نباید گذشت

ب

مگر کاتش تیز پیدا کند
گنه‌کرده را زود رسوا کند

پ

اگر کوه آتش بود بسپریم
ازین تنگ خوار است اگر بگذرم

ت

هشیوار و با جامه‌های سپید
لبی پر ز خنده، دلی پر امید

ث

به نیروی یزدان نیکی‌دهش
کزین کوه آتش نیابم تپش

ج

چنان آمد اسب و قبا‌ی سوار
که گفتی سمن داشت اندر کنار

چ

به دستور فرمود تا ساروان
هیون آرد از دشت، مد کاروان

ح

نهادند بر دشت هیزم دو کوه
جهانی نظاره شده هم‌گروه



درس ۱۳: خوان هشتم واژگان

۱۷۵ - معنی «طاق» را در ابیات زیر با توجه به روابط هم‌نشینی واژه‌ها بنویسید.

الف) به منزل بر آن طاق و ایوان رسید	که داراب را اندرو خفته دید
ب) حضورش پریشان شد و کار زشت	سفر کرد و بر طاق مسجد نشست
ج) دگر باره آمد ز ایوان فروش	که ای طاق چشم خرد را می‌پوش

۱۷۶ - در منظومه زیر غلط‌های املایی را بیابید و اصلاح کنید.

«این ایار مهر و کین مرد و نامرد است / ... آن که هرگز گم نمی‌شد از لبش لبخند ... / خواه روز جنگ و خورده بحر کین سوگند / رستم دستان، در تگ تاریک چاه ژرف پهناور / کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر / چاه قدر ناجوانمردان / چاه پستان چاه بی‌دردان ... گم بود»

دستور زبان

۱۷۷ - مضاف‌الیه مضاف‌الیه را در شعر زیر بیابید و نمودار پیکانی آن گروه اسمی را رسم کنید.
«این گلیم تیره‌بختی‌هاست / روکش تابوت تختی‌هاست ... / اندکی استاد و خامش ماند»

۱۷۸ - ضمیر پیوسته، در کدام مصراع، «وابسته وابسته» است؟

«بعد چندی که گشودش چشم

رخش خود را دید

بس که خونش رفته بود از تن

بس که زهر زخم‌ها کاریش

گویی از تن حسّ و هوشش رفته بود و داشت می‌خوابید»

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۷۹ - معنی و مفهوم هر یک از بندهای زیر را بنویسید.

الف) گرچه بیرون تیره بود و سرد، همچون ترس، / قهوه‌خانه گرم و روشن بود، همچون شرم ...

ب) می‌اندیشید / که نایستی بگوید، هیچ / بس که بی‌شرمانه و پست است این تزویر. / چشم را باید ببندد، تا نبیند هیچ ...

پ) در تگ تاریک ژرف چاه پهناور، / کشته هر سو بر کف و دیوارش‌هایش نیزه و خنجر، / چاه غدر ناجوانمردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان، چاه چنان ژرفی و پهنای، بی‌شرمیش ناباور / و غم‌انگیز و شگفت‌آور.

۱۸۰ - شاعر در مصراع: «چاه چنان ژرفی و پهنای، بی‌شرمیش ناباور» چه چیزی را توصیف می‌کند؟ چاه را یا بی‌شرمی را؟



شعر خوانی: ای میهن

۱۸۱ - مصراع دوم هر يك از بيت‌های زیر را بنویسید.

الف) آيينه نگاهت پیوند صبح و ساحل

ب) ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود

ج) تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن

فصل هفتم: ادبیات داستانی

درس ۱۴: سی مرغ و سیمرغ واژگان

۱۸۲ - در گروه کلمات زیر، غلط‌های املایی را بیابید و درست آنها را بنویسید.

«انانت و یاری - عزم و اراده - طاقت و تحمّل - صدر مجلس - استعنا و بی‌نیازی - ذوال و نابودی - وجه ذاد - کوه قاف - دشمنی و مخاصمت»

دستور زبان

۱۸۳ - نقش ضمیر پیوسته در مصراع «بعد از این وادی توحید آیدت» مشابه گزینه است؟

الف) در عشق کسی قدم نهاد کش جان نیست (ب) آن خضر که فرخنده پیاش نام نهادند

۱۸۴ - واژه «چون» از لحاظ دستوری در کدام گزینه متفاوت است؟

الف) چون بود کاکلیم ما را شاه نیست. (ب) چون بتابد آفتاب معرفت (ج) چون فرود آیی به وادی طلب

۱۸۵ - نقش ضمیر پیوسته «ت» را در هر دو مصرع مشخص کنید.

«بعد از این وادی حیرت آیدت» کار دائم درد و حسرت آیدت»

۱۸۶ - با توجه به مصراع اول بیت زیر مسندها را مشخص کنید.

«عاشق آن باشد که چون آتش بود گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود»

۱۸۷ - با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌های داده‌شده را تعیین کنید.

مدهزاران سایه جاوید، تو گم‌شده بینی ز یک خورشید، تو

چون نگه کردند آن سی مرغ زود بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود

خویش را دیدند سیمرغ تمام بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام

الف واژه «تو» نقش تبعی تکرار و واژه «خود» نقش تبعی بدل دارد.

ب بیت دوم یک جمله غیرساده است و مصراع اول، جمله وابسته آن است.

**پ**

نقش دستوری واژه «تمام» در هر دو مصراع بیت سوم، «قید» است.

ت

مفهوم «ان» در واژه «صدهزاران» همانند واژه «ان» در واژه «بهاران» است.

آرایه‌های ادبی

۱۸۸ - با توجه به متن درس «سی مرغ و سیمرغ»، هریک از پرندگان زیر نماد چه کسانی هستند؟

بلبل: (.....)

باز: (.....)

سیمرغ: (.....)

مرغان: (.....)

۱۸۹ - در کدام بیت آرایه «مجاز» وجود ندارد؟

الف) عاشق آن باشد که چون آتش بُود

ب) روی‌ها چون زین بیابان درکنند

پ) مرد حیران چون رسد این جایگاه

ت) مجمعی کردند مرغان جهان

گرم‌رو، سوزنده و سرکش بُود

جمله سر از یک گریبان برکنند

در تحیر مانده و گم کرده راه

آنچه بودند آشکارا و نهان

۱۹۰ - در تمام گزینه‌ها، دو استعاره وجود دارد؛ به جز

الف) محو او گشتند آخر بر دوام

ب) روی‌ها چون زین بیابان درکنند

پ) بعد از این، وادی عشق آید پدید

سایه در خورشید گم شد والسلام

جمله سر از یک گریبان برکنند

غرق آتش شد کسی کانجا رسید

۱۹۱ - در مورد آرایه‌های بیت زیر، کدام مورد نادرست است؟

«چون نگه کردند آن سی مرغ، زود

بی‌شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود»

الف) جناس و تکرار

ب) استعاره و جناس

پ) استعاره و تشبیه

۱۹۲ - با توجه به ابیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

گل اگرچه هست بس صاحب‌جمال

حُسن او در هفته‌ای گیرد زوال

وا نیامد در جهان زین راه، کس

نیست از فرسنگِ آن، آگاه کس

الف

مجاز را در هر دو بیت مشخص کنید.

ب

«راه» در بیت دوم چه آرایه‌ای دارد؟



۱۹۳ - دربارهٔ تلمیح به کار رفته در بیت زیر توضیح دهید:

«طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه / آن جاست جلوه‌گاهم، اینجا چه کار دارم؟»

۱۹۴ - در هر یک از ابیات زیر آرایهٔ ادبی مقابل آن را توضیح دهید.

الف

چون بُود کاکلیم ما را شاه نیست؟ / بیش ازین بی‌شاه بودن راه نیست (جناس)

ب

شیرمردی باید این ره را شگرف / زانکه ره دور است و دریا ژرف ژرف (واج‌آرایی)

پ

هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است (متناقض‌نما)

۱۹۵ - در بیت زیر، آرایه‌های «تشبیه، استعاره، پارادوکس، واج‌آرایی» را مشخص کنید.

«بعد از این، وادی عشق آید پدید / غرق آتش شد کسی کانجا رسید»

۱۹۶ - آرایه‌های مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- (الف) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ، افسرده‌ای است (متناقض‌نما - تضاد)
 (ب) بعد از آن بنمایدت پیش نظر / معرفت را وادی‌ای بی‌پا و سر (تشبیه - کنایه)
 (پ) چون نگه کردند آن سی مرغ زود / بی‌شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود (جناس تام - تشبیه)
 (ت) هر یکی بینا شود بر قدر خویش / بازیابد در حقیقت، صدر خویش (مجاز - جناس)

۱۹۷ - آرایه‌های ادبی ابیات زیر را بنویسید.

الف

بعد از این وادی عشق آید پدید / غرق آتش شد کسی کانجا رسید

ب

هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است

قرابت معنایی

۱۹۸ - مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

شیرمردی باید این ره را شگرف / نی حدیث راه پر خون می‌کند
 زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف / قصه‌های عشق مجنون می‌کند



۱۹۹ - بیت زیر با کدام بیت از درس نی‌نامه مناسبت دارد؟ دلیل خود را بنویسید.
شیرمردی باید این ره را شگرف / زانکه ره دور است و دریا ژرف‌ژرف «عطار»

۲۰۰ - ارتباط معنایی موارد زیر را توضیح دهید.
بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست / در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی
چون نگه کردند آن سی مرغ زود / بی‌شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود

۲۰۱ - بیت «شیرمردی باید این ره را شگرف / زانکه ره دور است و دریا ژرف‌ژرف» با کدام بیت مفهوم مشترک دارد؟ دلیل خود را بنویسید.

الف) نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند
ب) سر مویی ز تو، تا با تو باقی است / درین ره درنگنجی، گرچه مویی

۲۰۲ - مفهوم کدام بیت به «یگانگی خداوند در عین تعدّد و کثرت مظاهر و پدیده‌ها» اشاره ندارد؟

الف) صد هزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو
ب) مدّتی شد تا درین راه آمدم / از هزاران، سی، به درگاه آمدم
پ) چون نگه کردند آن سی مرغ زود / بی‌شک این سی مرغ آن سیمرغ بود
ت) خویش را دیدند سیمرغ تمام / بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام

۲۰۳ - مفهوم مشترک ابیات هر بخش را بنویسید.

الف) دل چه بندی در این سرای مجاز؟ / همت پست کی رسد به فراز؟
ملک اینجا بایدت انداختن / ملک اینجا بایدت در باختن
ب) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا / هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است
صد هزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو

۲۰۴ - مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.

چون نگه کردند آن سی مرغ زود / بی‌شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود
ای نسخه نامۀ الهی که تویی / وی آینه جمال شاهی که تویی
بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست / در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

۲۰۵ - مفهوم کدام بیت با بیت «چون نگه کردند آن سی مرغ، زود / بی‌شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود» متفاوت است؟ توضیح دهید.

الف) عشق را خواهی که چون پایان بری / بس که بپسندید باید ناپسند
ب) دو جهان پر و بال سی مرغ است / نیست سیمرغ و آشیانه پدید
پ) عشق هم عاشق است و هم معشوق / عشق، دورویه نیست یک رویه است

۲۰۶ - در موارد زیر ابتدا مفهوم مشترک دو بیت را بنویسید سپس مشخص کنید که هر مورد یادآور کدام وادی از هفت وادی عشق است؟



الف

- وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا
- صد هزاران سایه جاوید، تو
- هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است
- گم شده بینی ز یک خورشید، تو

ب

- دل چه بندی در این سرای مجاز؟
- مال، اینجا بایدت انداختن
- همت پست کی رسد به فراز؟
- ملک، اینجا بایدت درباختن

پ

- چشم بگشا به گلستان و بین
- روی‌ها چون زین بیابان در کنند
- جلوه آب صاف در گل و خار
- جمله سر از یک گریبان بر کنند

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۲۰۷- در بیت زیر، معنای قسمت مشخص‌شده را بنویسید.

«روی‌ها چون زین بیابان در کنند» جمله سر از یک گریبان بر کنند»

۲۰۸- هر بیت زیر، یادآور کدام وادی از هفت وادی است؟

- | | |
|------------------------------------|---|
| الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا | هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است «عطار» |
| ب) دل چه بندی در این سرای مجاز؟ | همت پست کی رسد به فراز؟ «سنایی» |
| پ) چشم بگشا به گلستان و بین | جلوه آب صاف در گل و خار «هاتف اصفهانی» |

۲۰۹- هر بیت زیر، یادآور کدام وادی از هفت وادی عرفان است؟

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------|
| الف) روی‌ها چون زین بیابان در کنند | جمله سر از یک گریبان بر کنند |
| ب) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است | هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است |

۲۱۰- هریک از پرندگان زیر، دارای مفهوم نمادین هستند. نام هر پرنده را به مفهوم نمادین آن، وصل کنید.

- | | |
|--------------|---|
| الف) سیمرغ | ۱) افراد جاه‌طلب که نمی‌توانند از جاه و مقام خویش بگذرند. |
| ب) طاووس | ۲) کسانی که راه کمال و معرفت را تا پایان طی می‌کنند. |
| پ) هدهد | ۳) خداوند |
| ت) باز شکاری | ۴) کسانی که به قصد پاداش خداوند را عبادت می‌کنند. |
| ث) بلبل | ۵) کسانی که به زیبایی‌های زودگذر و ظاهری وابسته‌اند. |
| ج) سیمرغ | ۶) انسان کامل و راهنما و آگاه به مسیر |



۲۱۱ - ویژگی هریک از وادی‌های «فقر و فنا»، «توحید» و «استغنا» در کدام بیت آمده است؟ به‌ترتیب مشخص کنید.

الف) درین دریا گلیمت شسته گردد / اگر یک بار دست از خود بشویی
ب) چو با توسل آنچه می‌جویی به هرجا / به هرزه، گرد عالم چند پویی؟
پ) چشم بگشا به گلستان و ببین / جلوه آب صاف در گل و خار

۲۱۲ - بیت «روی‌ها چون زین بیابان در کنند / جمله سر از یک گریبان برکنند» به کدامیک از هفت وادی اشاره دارد؟ کنایه‌ای را که به این مفهوم اشاره دارد، مشخص کنید.

۲۱۳ - با توجه به وادی مورد نظر در بیت «هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است»، کدام گزینه مربوط به وادی بعد از آن است؟

الف) صد هزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو
ب) روی‌ها چون زین بیابان در کنند / جمله سر از یک گریبان برکنند

۲۱۴ - در بیت «هرکه داند گفت با خورشید، راز / کی تواند ماند از یک ذره باز؟» منظور از «خورشید» و «ذره» چیست؟

۲۱۵ - بیت «هر یکی بینا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت، صدر خویش» مربوط به وادی چندم است؟ وادی بعد از آن چیست؟

۲۱۶ - در بیت «صد هزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو»، منظور از بخش‌های مشخص‌شده را بنویسید.

۲۱۷ - بیت زیر کدامیک از شخصیت‌های منطق‌الطیر را توصیف می‌کند؟
«من اگر شایسته سلطان شوم / به که در وادی بی‌پایان شوم»

۲۱۸ - هفت «وادی» را به‌ترتیب نام ببرید.

۲۱۹ - جای خالی را کامل کنید.

وادی ششم: «بعد از این وادی آیدت / کار دائم درد و حسرت آیدت»
وادی دوم: «بعد از این وادی آید پدید / غرق آتش شد کسی کجا رسید»

۲۲۰ - مفهوم کلی بیت زیر چیست؟ بیت چند جمله دارد؟

«محو او گشتند آخر بر دوام / سایه در خورشید گم شد والسلام»

۲۲۱ - مفهوم مشترک دو بیت زیر را بنویسید.

«وانیامد در جهان زین راه کس / نیست از فرسنگ آن آگاه کس»
«راهیست راه عشق که هیچش کناره نیست / آنجا جز آن که جان بسپارند چاره نیست»

۲۲۲ - با توجه به درس «سی مرغ و سیمرغ» عذرآوری مرغان بیانگر چه مطلبی است؟

۲۲۳ - با توجه به ابیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید:



معرفت را وادی‌ای بی‌پا و سر
کار دائم درد و حسرت آیدت

بعد از آن بنمایدت پیش نظر
بعد از این، وادی حیرت آیدت

الف مرجع هریک از ضمیرهای «آن» و «این» به ترتیب، کدام‌یک از وادی‌های عرفانی است؟

ب هریک از وادی‌های مربوط به ابیات بالا را در بیت مشخص کنید و بنویسید که هریک از آنها وادی چندم هستند؟

۲۲۴ - با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

چشم بگشا به گلستان و بین
جلوه آب صاف در گل و خار
روی‌ها چون زین بیابان درکنند
جمله سر از یک گریبان بر کنند

الف مفهوم مشترک ابیات بالا چیست؟

ب این ابیات، یادآور کدام وادی از هفت وادی عرفان است؟

۲۲۵ - هر یک از ابیات و عبارات زیر را به فارسی روان معنی کنید.

الف اشتر مقالات گرگ و روباه بر آن‌گونه شنید.

ب با ایشان از وجه زاد و توشه، گردهای بیش نبود.

پ من آن شب در آن موضع حاضر بودم و شما را چراغ فرا می‌داشتم و مادرت را اعانت می‌کردم.

ت هر که داند گفت با خورشید، راز / کی تواند ماند از یک ذره باز؟

ث عاشق آن باشد که چون آتش بُود / گرم‌رو، سوزنده و سرکش بُود

ج روی‌ها چون زین بیابان در کنند / جمله سر از یک گریبان بر کنند

چ هشت جَت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است

ح چون نگه کردند آن سی‌مرغ زود / بی‌شک این سی‌مرغ، آن سی‌مرغ بود

خ شیرمردی باید این ره را شگرف / زانکه ره دور است و دریا ژرف‌ژرف



۲۲۶ - هر یک از ابیات زیر، یادآور کدام یک از هفت وادی در سرودهٔ عطار است؟ (نام وادی را بنویسید.)

(الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است

(ب) روی‌ها چون زین بیابان در کنند جمله سر از یک گریبان برکنند

۲۲۷ - گویندهٔ هر یک از بیت‌ها و عبارت‌های زیر با توجه به درس سی مرغ و سیمرغ، کدام‌یک از شخصیت‌هاست؟

(الف) در سرم از عشق گل سودا بس است زان که مطلوبیم گل رعنا بس است

(ب) من بسیار کوشیده‌ام تا روی دست شاهان جا گرفته‌ام پیوسته با آنان بوده‌ام و برای آنان شکار کرده‌ام.

(پ) من مرغ بهشتی‌ام روزگاری دراز در بهشت به سر برده‌ام. مار با من آشنا شد، آشنایی با او سبب گردید که مرا از بهشت بیرون کنند.

درس ۱۶: کباب غاز و اژگان

۲۲۸ - واژه‌های مربوط به هریک از معانی «نظرخواهی، خجستگی، ارتقا یافتن» به‌ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟ واژهٔ مورد نظر را مشخص کنید.

(الف) در کارگاه دولت، شور حشم شگون نیست یکسرخروش جغد است هر جا هما نشیند

(ب) پیران صاف‌طینت رأی صواب دارند صائب، مگرد غافل از استشارهٔ صبح

(پ) شهی که کسوت جاه و منال دولت او طراز سرمد و ترفیع جاودان دارد

۲۲۹ - با توجه به واژه‌های مشخص‌شده، کدام گزینه غلط املایی دارد؟

(الف) ولی شستش خبردار شده بود و چشمش مثل مرغ سر بریده، مدام روی میز می‌دوید.

(ب) کان کمند شست خم خویش بگشاید / و بیندازد به بالا، بر درختی، گیره‌ای، سنگی / و فراز آید.

(ج) چون تیری که از شست رفته، باز نمی‌گردد، یک بار دیگر به کلام بلندپایهٔ «از ماست که بر ماست» ایمان آوردم.

(د) آنگاه باز شکاری که شاهان او را روی شست می‌نشانند و با خویشان به شکار می‌بردند، چنین گفت...

دستور زبان

۲۳۰ - در عبارت زیر قسمت حذف‌شده را مشخص کنید و نوع حذف را تعیین نمایید.

«گفتم: پس چاره‌ای نیست جز اینکه دو روز مهمانی بدهیم. یک روز یک دسته بیایند و فردای آن روز، دسته‌ای دیگر. عیالم با این ترتیب موافقت کرد.»

۲۳۱ - با توجه به متن زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

«من تخلص را از زواید و از جملهٔ رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد، ولی به اصرار یکی از ادیبان، کلمهٔ «استاد» را اختیار کردم، اما خوش ندارم زیاد استعمال کنم.»

الف

چند حرف پیوند هم‌پایه‌ساز وجود دارد؟ مشخص کنید.

ب

نقش دستوری واژهٔ «استاد» چیست؟



پ چند جملهٔ مستقل مرکب وجود دارد؟

۲۳۲ - با توجه به متن زیر، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

« در این اثنا، صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد. آقای استادی رو به نوکر نموده فرمودند: هم‌قطار، احتمال می‌دهم وزیر داخله باشد و مرا بخواهد. بگویید: فلانی حالا سر میز است و بعد خودش تلفن خواهد کرد.»

الف چند وابستهٔ پیشین گروه اسمی وجود دارد؟ مشخص کنید.

ب کدام واژه‌ها ضمیر هستند؟

آرایه‌های ادبی

۲۳۳ - در متن زیر، کنایه‌ها و مفهوم آنها را مشخص کنید.

«حقاً که حرف منطقی بود و هیچ بروبرگرد نداشت. چارهٔ منحصر به فرد را در این دیدم که هر طور شده، یک گاز دیگر دست و پا کنیم. به خود گفتم: این مصطفی اگرچه کودن است، ولی پیدا کردن یک گاز در شهر بزرگی مثل تهران، کشف امریکا و شکستن گردن رستم نیست؛ لابد این قدرها از دستش ساخته است.»

۲۳۴ - با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«دیگران که منتظر چنین حرفی بودند، فرمت نداده مانند قحطی‌زدگان به جان گاز افتادند و در یک چشم به هم زدن، چنان کلکش را کردند که گویی هرگز غازی قدم به عالم وجود ننهاده بود!»

الف مشبه و وجه‌شبه کدام است؟

ب کدام عبارت کنایی به مفهوم نابود کردن است؟

پ در عبارت «گویی هرگز غازی قدم به عالم وجود ننهاده بود!» در چه مفهومی، اغراق صورت گرفته است؟

ت مفهوم کنایی «در یک چشم به هم زدن» یعنی چه؟

۲۳۵ - مفهوم هریک از کنایه‌های زیر را بنویسید.

الف چند مرده حلاج بودن:

ب چشم دوختن:

۲۳۶ - مفهوم هریک از کنایه‌های زیر را در جای خالی مقابل آنها بنویسید.

**الف**

شکم را مایون زدن:

ب

سماق مکیدن:

پ

پشت دست داغ کردن:

ت

حساب کسی را دستش دادن:

ث

به خود آمدن:

ج

خود را از تک و تا نینداختن:

چ

حساب کار خود را کردن:

ح

گل کاشتن:

۲۳۷- در متن زیر، تمام آرایه‌های کدام گزینه درست است؟

«دیدم ماشاءالله، قدش دراز و تک و پوزش کریه‌تر شده است. گردنش مثل گردن همان غاز مادرمرده‌ای بود که در همان ساعت در دیگ مشغول کباب شدن بود؛ مشغول تماشا و ورنده از این مخلوق کمیاب و شیء عجاب بودم که عیالم هراسان وارد شد، گفت: «خاک به سرم، مرد حسابی، اگر این غاز را برای مهمان‌های امروز بیاوریم، برای میهمان‌های فردا از کجا غاز خواهی آورد؟»

(الف) تشخیص، کنایه، تضمین

(ب) تلمیح، تشبیه، کنایه

(پ) تشخیص، حسن‌تعلیل، کنایه

قرابت معنایی

۲۳۸- با توجه به آیه شریفه و بیت زیر، متن روان‌خوانی «ارمیا» را تحلیل کنید.

﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾ (انفال / ۱۷)

وقتی تو تیر انداختی، تو نبودی که تیر انداختی؛ بلکه خداوند بود که تیر انداخت. (معنی آیه)

ز یزدان دان، نه از ارکان، که کوتاه‌دیدگی باشد که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی «سنایی»

معنی بیت: همه کارها را از خدا بدان؛ نه از اعضای بدن خودت؛ زیرا نشانه سطحی‌نگری و کوتاه‌بینی است که نوشته‌ای را که از عقل جاری می‌شود، از اثر انگشتان دست بدانی.



۲۳۹ - کدام یک از ابیات زیر مفهوم مشترک دارند؟ مفهوم مشترک را بنویسید.

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------|
| الف) سخن گفته دگر باز نیاید به دهن | اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد |
| ب) سخندان پرورده، پیر کهن | بیندیشد آن‌گه بگوید سخن |
| پ) اول اندیشه وانگهی گفتار | پای‌بست آمده است و پس، دیوار |
| ت) سخن تا نگویی، به دینار مانی | ولیکن چو گفتی، پیشیزی مسینی |

۲۴۰ - مفهوم مشترک آیه ﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾ با بیت زیر چیست؟
«ز یزدان دان، نه از ارکان، که کوتاه‌دیدگی باشد که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی»

۲۴۱ - کدام یک از گزینه‌های زیر، مفهوم متفاوتی با دیگر ابیات دارد؟
الف) ترحم بر پلنگ تیزدندان ستمکاری بود بر گوسفندان
ب) گله ما را گله از گرگ نیست کاین همه بیداد، شبان می‌کند
پ) شبیه نزدیک‌تر از سنگ، ندارد خویشی هر شکستی که به انسان رسد، از خویش است

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۲۴۲ - کدام گزینه بار معنایی منفی ندارد؟

- الف) دیدم، توطئه ما دارد می‌ماسد.
ب) اندیشیدم که باز برای ما چه خوابی دیده‌اند.
ج) دیدم چشم بد دور آقا و اترقیده‌اند.

۲۴۳ - هریک از جمله‌ها و عبارات زیر را به فارسی روان معنا کنید.

الف باید در این موقع، درست جلوشان درآیی.

ب آسمان جل و بی‌دست و پا و پخمه و گاکول و تا بخواهی، بدریخت و بدقواره.

پ شب عید نوروز بود و موقع ترفیع رتبه.

ت تنها همان رتبه‌های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش و بگذار سماق بمکند.

ث در حرافی و شوخی و بذله و لطیفه، نوک جمع را چیده و متکلم‌وحده و مجلس‌آرای پلامعارض شده است.

ج به من دخی ندارد! ماشاءالله هفت قرآن به میان، پسرعموی خودت است. هر گلی هست، به سر خودت بزن.

چ یکی از حضار که کباده شعر و ادب می‌کشید، چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه شاعر را بوسید.



ح شش‌دانگ حواسم پیش مصطفی است که نکند بوی غاز چنان مستش کند که دامنش از دست برود.

خ پیرمرد هیکلی خیلی به درد می‌خورد. مردهٔ فیل صد تومن است، زنده‌اش هم صد تومن!

د گفتند: سهراب، گُل کاشتی، ای واللّه! دود هنوز از کُنده بلند می‌شود.

فصل هشتم: ادبیات جهان

درس ۱۷: خنده‌ی تو دستور زبان

۲۴۴- در مصراع‌های زیر مفعول را مشخص کنید.

الف کز آن گرمی کند آتش گدایی

۲۴۵- مفهوم نشانهٔ «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید.

الف کندوان:

ب دوان:

پ شامگاهان:

ت چناران:

ث جوان:

ج یاران:

چ جانان:

ح خرامان:

خ سیاوشان:



معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۲۴۶ - با توجه به ابیات زیر، مراد از «پیر خردمند» کیست؟

«چه خوش فرمود آن پیر خردمند / وزین خوشتر نباشد در جهان پند:
اگر خونین‌دلی از جور ایام / لب خندان بیاورد چون لب جام»

۲۴۷ - شاعر در سروده زیر، علاقه خود به محبوبش را به چه موضوعی پیوند زده است؟

«خنده‌ات را می‌خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم / گلی آبی، گل سرخ کشورم که مرا می‌خواند.»

۲۴۸ - مفهوم ابیات زیر را بنویسید.

الف

یک قصه بیش نیست غم عشق، وین عجب / کز هر زبان که می‌شنوم نامک‌ز است

ب

به پیش اهل دل گنجی است شادی / که دستاورد بیرنجی است شادی

درس ۱۸: عشق جاودانی آرایه‌های ادبی

۲۴۹ - در هر یک از ابیات زیر یک استعاره را مشخص کنید.

الف

به سوزی ده کلام را روایی

کز آن گرمی کند آتش گدایی

ب

دلم را داغ عشقی بر جبین نه

زبانم را بیانی آتشین ده

پ

اگر لطف تو نبود پرتوانداز

کجا فکر و کجا گنجینه راز

قربت معنایی

۲۵۰ - با توجه به سروده زیر، شاعر هر روز خود را ملزم به تکرار چه سخنی می‌داند؟

«هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آنچه را قدیمی است قدیمی ندانم: که تو از آن منی و من از آن تو، / درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.»



سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگ‌های از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی شیراز

علیرضا احمدی‌شکور

پزشکی شیراز



مهدیس رایان‌پور

پزشکی شیراز



رضا روان‌خواه

پزشکی شیراز



مهران آیین‌نژاد

پزشکی شیراز



مهشید حیدری سورشجانی

پزشکی شیراز



مصطفی‌کندوشی

پزشکی شیراز



محمد مهدی اجرائی

پزشکی شیراز



فاطمه صابری

پزشکی شیراز



رکسانا بهروز

پزشکی شیراز



احسان فرخی

پزشکی شیراز



محمد رضا سلاطی

پزشکی شیراز



نرگس حسینی

پزشکی شیراز



نرگس جهان‌بخشی

پزشکی شیراز



فاطمه زارعی

پزشکی شیراز



محمد مهدی محمدی

پزشکی شیراز



مرضیه افضلیان

پزشکی شیراز



مهدی کلانتری

پزشکی شیراز



فاطمه کرمی‌تفتی

پزشکی شیراز



مریم محمودی

دندانپزشکی شیراز



محمد یاسین بهبودی

دندانپزشکی شیراز



نوید قاسم زادگان جهرمی

دندانپزشکی شیراز



محمد مهدی یزدانی

دندانپزشکی شیراز



سینا ابراهیمیان

دندانپزشکی شیراز



محمد امین درخشان

دندانپزشکی شیراز



علیرضا شریفی

داروسازی شیراز



صادق سبحانی

داروسازی شیراز



فرانک شهرباری

داروسازی شیراز



الینا خاننر

پزشکی شیراز



زهرا روح‌الهی

پزشکی شیراز



محمد رضا جعفری

فیزیوتراپی شیراز



امیر آرش محمدی

پزشکی شیراز



امیر حسین خواجه

پزشکی شیراز



پارسا کاوسی

پزشکی شیراز





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگ‌ای از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی شیراز

زینب مرادی

پزشکی شیراز



رضاطاهری

پزشکی شیراز



زینب نعیمی

پزشکی شیراز



فاطمه سلیمی

پزشکی شیراز



آتنا هنر

پزشکی شیراز



اسا الهی

پزشکی شیراز



مهدی عوض زاده

پزشکی شیراز



حسین مهدوی

پزشکی شیراز



ماهان محمودی

پزشکی شیراز



عسل کنگالی

پزشکی شیراز



رضا ورزندی مجرد

پزشکی شیراز



محمد مهدی رضاپور

پزشکی شیراز



ابوفاضل یاراحمدی

دندان پزشکی شیراز



عرشیا موسوی

پزشکی شیراز



علیرضا عدل آسا

پزشکی شیراز



درنا دانیال

داروسازی شیراز



ملیکا عابدی

داروسازی شیراز



مهدیه آل بویه

دندان پزشکی شیراز



مریم آزادی

دندان پزشکی شیراز



پانته آ سلمان پور

داروسازی شیراز



فاطمه آزادی

داروسازی شیراز



نغمه قبادی

دندان پزشکی شیراز



محمد رحبی

داروسازی شیراز



محمد رضا نجفی

دندان پزشکی شیراز



هستی فلاح

پزشکی شیراز



عارفه حکومتی

داروسازی شیراز



ملیکا افسر

پزشکی شیراز



مهدی احمدی

دندان پزشکی آزادشیراز



مرتضی یوسفی

دندان پزشکی آزادشیراز



کتایون اکوان

دندان پزشکی آزادشیراز



سبحان ولیئی

دندان پزشکی آزادشیراز



اشکان باسری

دندان پزشکی آزادشیراز



محمد امیدی

دندان پزشکی آزادشیراز





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگه‌ای از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی تبریز

فاطمه موسوی اصل
پزشکی تبریز



طاهر حسن‌زاده
پزشکی تبریز



عطقربانی
پزشکی تبریز



اشکان محمودی
پزشکی تبریز



کامیاب اسحق‌نژاد
پزشکی تبریز



اسرا عوض هوشیاری
پزشکی تبریز



امیرمهدی مردانی
پزشکی تبریز



نگین گیوزاد
پزشکی تبریز



زهره کرمان‌هفتخوانی
پزشکی تبریز



سوگل نجف نوه‌سی
پزشکی تبریز



یلدا قانع‌زوارق
پزشکی تبریز



کیمیاعطاری
پزشکی تبریز



مهدی فرمانی خراجو
پزشکی تبریز



اسماعیل سهراب‌زاده
پزشکی تبریز



اسرانعلیندزاده
پزشکی تبریز



ستاره‌آزادخواه
پزشکی تبریز



امیرحسین صمدزاده
پزشکی تبریز



نرگس قربانی‌فر
پزشکی تبریز



سما رحیم‌زاده
پزشکی تبریز



آیدین مرآتی
پزشکی تبریز



مخنانصیری
پزشکی تبریز



محمدامین حکیمی
پزشکی تبریز



حناحکیم قزاق‌خانلو
پزشکی تبریز



رضالیمینی
پزشکی تبریز



امیررضاعباسی
داروسازی تبریز



ملیسا ندیمی بستان
داروسازی تبریز



مبینا غلامی بهنق
دندانپزشکی تبریز



حسین فصیحی
دندانپزشکی تبریز



مهسا قلی‌زاده
پزشکی تبریز



امیرمهدی نیازی
فیزیوتراپی تبریز



آیدا حسین‌زاده
فیزیوتراپی تبریز



محمد معین قناتی
داروسازی تبریز



مهدی زینالی
پزشکی تبریز



ساده‌زارع
پزشکی تبریز



روژان رحیمی
پزشکی تبریز



محمد مهدی علی‌رضالو
پزشکی تبریز



امیرحسین حسین‌پور
پزشکی تبریز



زهره ابراهیمی
پزشکی تبریز



مبینا نیک‌پو
پزشکی تبریز



عرفان سیاح
پزشکی تبریز



آیدا سلحشور
پزشکی تبریز



اسماعیل مصطفی‌پاز
پزشکی تبریز



آیلا سلحشور
پزشکی تبریز



علی‌تورانی
پزشکی تبریز



امیررضا موسوی
پزشکی تبریز



ابلیا امینی
پزشکی تبریز



نیما اسدی
پزشکی تبریز



حانیه حسین‌زاده
پزشکی تبریز



هلیرا رضازاده
پزشکی تبریز



امیررضا جلیل‌زاده
پزشکی تبریز



محمد فرج
پزشکی تبریز



الهام بخشی‌سرای
پزشکی تبریز





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگ‌ای از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی کرج

آیدالک

پزشکی کرج



معصومه هادی‌حمید

پزشکی کرج



زهرا باقری

پزشکی کرج



حدیثه خانکشلو بجوانی

پزشکی کرج



امیرحسین کمالی

پزشکی کرج



نرگس حسکوئیان

پزشکی کرج



رومینا صادق‌نژاد تلوکی

پزشکی کرج



ساراتقی خانی

پزشکی کرج



امیرحسین کشاورز

پزشکی کرج



محمدتوسلی

دندانپزشکی کرج



نرجس دستوری

پزشکی کرج



حدیثه دلارامی

پزشکی کرج



عسل حسنی

پزشکی کرج



علی اسدی

پزشکی کرج



مهشید قاسمی

پزشکی کرج



یاسمن حیدرپور

پزشکی کرج



سحر اسدبک

پزشکی کرج



محمد مهدی میکائیلی

پزشکی کرج



وحیده نصیری

داروسازی کرج



رادین پوررضا

پزشکی کرج



ایلیا طاهرخانی

پزشکی کرج



نیک افزین مختاری

داروسازی کرج



محمد مهدی حریه

داروسازی کرج



مریم رضائی

داروسازی کرج



علی مدرس

دندان پزشکی کرج



آرین شفیعی

دندان پزشکی کرج



علی حسینی

دندان پزشکی کرج



نغمه ناگهانی

دندان پزشکی کرج



مائده بوژنه

دندان پزشکی کرج



سید متین زارعی

دندان پزشکی کرج



ایلیا نیکا اقبال

پزشکی کرج



نیکی سرفراز

پزشکی کرج



علی جهانی

پزشکی کرج





پاسخنامه تشریحی

۱ - «مگر»: امید است، شاید

۲ -

الف

پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.

ب

مقرری: وظیفه / آبرو: ناموس

۳ -

الف

قسیم / دجی

ب

بیت اول: واج آرای با مامت و مصوت: مامت «س» و مصوت «ای» / قسیم، جسیم، نسیم، وسیم: جناس ناقص

بیت سوم: دیوار امت: اضافه تشبیهی / موج، بحر، نوح، کشتیان: تناسب / تلمیح به داستان حضرت نوح

۴ - ترکیب‌های اضافی: طاعتش / موجب قربت / مزید نعمت / ممد حیات / مفرح ذات / ترکیب وصفی: هر نفسی

۵ -

لب و دندان	سنایی	همه	توحید	تو	گوید
نهاد	معطوف به نهاد	مضاف الیه	قید	مفعول مضاف الیه	فعل
گروه	گروه				
نهادی	مفعولی				

۶ - همان: قید / به: مسند / سزاوار: مفعول / کس: نهاد

حذف «است» به قرینه معنوی (بنده همان به است).

۷ - ترکیب‌های اضافی: ذکر تو / راهنمایم (تو راهنمایم هستی): پرش ضمیر دارد.

ترکیب وصفی: همان ره

۸ -

الف

انکاری

ب

که (در مصراع اول): چه کسی / که (در مصراع دوم در واژه «کز»): حرف ربط

پ

مضاف الیه

ت

زبان (معطوف)

۹ -

الف

فرش باد مبرا را گفته (است) / دایه ابر بهاری را فرموده (است) / قبای سبز ورق در برگرفته (است) / کلاه شکوفه بر سر نهاده (است)

ب

قبای سبز: ترکیب وصفی / قبای ورق: ترکیب اضافی

۱۰ -

الف

حرف اضافه است: باران رحمت بی‌حسابش به همه رسیده.

ب

حرف اضافه است: چه تحفه‌ای به ما کرامت کردی.

پ

دامنی برای هدیه اصحاب پر کنم.

۱۱ -

الف

ابر و باد و مه و خورشید و فلک

ب

ابر و باد و مه و خورشید و فلک: واو عطف / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری: واو ربط



پ

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار (هستند): حذف به قرینه معنوی

- ۱۲

الف

بازش بخواند: مفعول (خدا) / بار دیگرش: مفعول (خدا)
دعوتش اجابت کردم: مضاف الیه (بنده گنهار) / امیدش برآوردم: مضاف الیه (بنده گنهار)

ب

بندگان گنهار و بندگان پریشان روزگار: ترکیب وصفی (اضافی ندارد).

پ

هر گه: قید / یکی: نهاد / دست: مفعول / حق: مضاف الیه

- ۱۳

الف

انکاری

ب

کشته

پ

بیت اول

«کرم بین و لطف خداوندگار
گنه بنده کرده ست و او شرمسار»

ت

کرم بین و لطف خداوندگار (بین): حذف به قرینه لفظی

گنه بنده کرده است و او شرمسار (است): حذف به قرینه لفظی

ث

بی‌دل: عاشق (انسان) / بی‌نشان: خدا

- ۱۴

الف

جان شد: در معنای «رفتن» به کار رفته و غیراستادی است.

خبر شد: فعل استادی است

ب

فک اضافه جان آن سوخته شد.

پ

سحر: مضاف الیه / عشق: مفعول / جان: نهاد / آواز: نهاد

ت

این مدعیان: وصفی / طلبش: اضافی

- ۱۵

الف

نفس

ب

نعمت

پ

سزاوار

ت

باران

ث

جا

ج

جان (فک اضافه دارد ← جان آن سوخته شد).

چ

وظیفه

ح

مدعی

- ۱۶

الف

متمم

«آن» در «آن سوخته» و «این» در «این مدعیان»، صفت اشاره هستند.

- ۱۷

الف

«ی» نکره در واژه‌های «بطی و قصدی» / ستاره: مضاف الیه

ب

آب: متمم / روشنایی: مفعول / هیچ: مفعول

- ۱۸

**الف**

دیگر ، هر و همه

ب

ثمرت تجربت: ترکیب اضافی / این تجربت: ترکیب وصفی

- ۱۹

الف

همه، همه: قید در معنای «کلاً، تماماً»

ب

همه: قید در معنای «کلاً، تماماً»

پ

همه، همه: قید در معنای «کلاً، تماماً»

ت

همه، همه: قید در معنای «کلاً، تماماً»

ث

همه، همه: صفت مبهم. وابسته پیشین.

ج

همه، همه: صفت مبهم. وابسته پیشین.

چ

همه: قید در معنای «کلاً، تماماً»

۲۰ - توأم راهنمایی: ۱- تو راهنمای من هستی: مضاف‌الیه

۲- تو راه را به من نشان می‌دهی: متمم

- ۲۱

الف

۱- موج - بحر- کشتیبان ← (مراعات‌نظیر)

۲- دیوار امت ← اضافه تشبیهی

۳- تلمیح به داستان حضرت نوح و کشتی نجات ایشان

۲۲ - ناتوانی در شناخت خداوند

۲۳ - نور عشق / عشق حق / دلت / جانت / آفتاب فلک

- ۲۴

گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست

فعل نهاد مسند مضاف الیه صفت فعل اسنادی

گروه مسندی

- ۲۵

الف

نشانه مفعول است.

ب

حرف اضافه است. (به داروغه بگوییم.)

پ

نشانه حرف اضافه است. (هشیار مردم، به مست حد نزد)

- ۲۶

الف

مس (متمم)، کیمیا (مفعول)

ب

خانه (متمم)

پ

کسی (مفعول)

ت

خوابگاه (مسند)

ث

مدعیان (نهاد)

ج

کار (نهاد)، کار (مسند)

- ۲۷

الف

متمم است. (به او گفت)

ب

مضاف‌الیه است. (مهر او)

مث آب خوردن ۲۰: بکیر



پ

مضاف‌الیه است. (گریبان او)

۲۸ -

الف

م: مضاف‌الیه (به محتسب عییم را مگویند.) / ما: متمم / عیش: مضاف‌الیه

ب

مدام (در معنای شراب و پیوسته)

پ

مدام در معنای «شراب»: مضاف‌الیه / در معنای «پیوسته»: صفت

۲۹ -

الف

در هر دو بیت، «واو» ربط است (مثلاً یک جمله مستقل است.)

ب

واعظ، محتسب

پ

برم: مضاف‌الیه (بر من) / من نه آنم (من آن نیستم): فعل اسنادی

ت

آن: مسند / دگر: قید

ث

بعد از «ای واعظ» حذف فعل به قرینه معنوی وجود دارد.

۳۰ -

الف

نور عشق: تشبیه / دل و جان: تناسب / مصراع دوم: اغراق

ب

بعد از «بالله» فعل «قسم می‌خورم» به قرینه معنوی حذف شده است.

۳۱ -

الف

بحر خدا: تشبیه / هفت بحر: مجاز از کل هستی / یک موی: کنایه از مقدار کم

تر شدن: کنایه از آسیب دیدن

ب

«یک» در «یک دم و یک موی»: صفت شمارشی / هفت: صفت شمارشی

پ

غریق بحر: ترکیب اضافی / بحر خدا: ترکیب اضافی / آب بحر: ترکیب اضافی

هفت بحر: ترکیب وصفی

ت

یک دم غریق بحر خدا شو: جمله ساده

گمان مبر کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی: جمله غیر ساده

۳۲ -

الف

از پای تا سرت: مجاز از کل وجود / بی پا و سر شدن: کنایه از اشتیاق زیاد

ب

برای وصال خداوند باید با تمام وجود و مشتاقانه قدم برداریم.

پ

حرف ربط در معنای «وقتی که»

۳۳ -

الف

بنیاد هستی: اضافه استعاری (هستی مثل خانه‌ای است که بنیاد دارد.)

زیر و زبر: تضاد

ب

مصراع اول: کنایه از نابود شدن وجود مادی / در دل مدار: کنایه از تترسیدن

پ

قید

۳۴ -

الف

شد: رفت

ب

شد: به در رفت، رفت

پ

شدی: فعل اسنادی

ت

شد: رسید

مث آب خوردن ۲۰: گیر



ث

شدی: فعل استنادی

ج

بشد: رفت / شده: مرده

۳۵ -

الف

مس وجود: اضافه تشبیهی / (تو) چو مردان ره: تشبیه / کیمیای عشق: اضافه تشبیهی
(تو مثل) زر شوی: تشبیه / دست بستن: کنایه از صرف نظر کردن / مس و کیمیا و زر: تناسب و تضاد
مس، کیمیا و زر: تناسب / زر شوی: کنایه از ارزشمند شدن

ب

شرط رسیدن به معشوق (خداوند) دل کندن از وجود وابستگی‌های مادی و دنیایی است.

۳۶ -

الف

شکوه و اعتبار مرگ را از بین برده است.

ب

نابه‌سامانی جامعه و فساد آن

۳۷ - با مفهوم بیت «ب» یکسان است.

همت در این دو بیت، به معنی «توجه و عنایت» و «کمک و یاری» است.

اما در گزینه «الف» به معنی «اراده» و «خواست» می‌باشد.

۳۸ - همت و خبر: مفعول سحر و چمن: مضاف‌الیه باد، من، رفیق، طرف: متمم

۳۹ - «نهاد» در جمله «بیت‌الجزن است» به قرینه لفظی حذف شده است. (آن خانه، بیت‌الجزن است).

۴۰ - (الف) درست است.

در مصراع دوم بیت صورت سؤال، دو بار در دو جمله پایانی، «نهاد»: «دل»، حذف شده است؛ بنابراین، حذف نهاد در مصراع دوم بیت «الف» نیز صورت گرفته است.
«انصاف و عدل» چون فرخی، موافق ثابت‌قدم نداشت.

نهاد محذوف در مصراع دوم

در مصراع دوم بیت «ب»، هیچ نقشی حذف نشده است اما در مصراع اول آن، به قرینه مصراع دوم، «نهاد» جدا حذف شده است.

در مصراع دوم بیت «پ»، در جمله پایانی آن، «مفعول» حذف شده است:

جمشید جم: (نهاد) آن فراغت را: (مفعول) نداشت: (فعل).

۴۱ - واژه «غم» در هر سه مورد، مفعول است.

۴۲ - (الف) جامه‌ای که غرقه در خون نشود.

نهاد

آن جامه را بدر.

مفعول

جامه‌ای که بهر وطن غرقه نشود.

مستند

(آن جامه) کم از کفن است.

نهاد

۴۳ - ۴ جمله دارد.

۱ - جامه‌ای که بهر وطن غرقه به خون نشود.

فعل

۲ - آن جامه را پدر.

فعل

۳ - آن جامه ننگ تن است.

فعل

۴ - آن جامه کم از کفن است.

فعل

۴۴ - الف

این گروه به ظاهر متمم است اما در جایگاه «مستند» به کار رفته است.

۴۵ - (الف) درست است.

تمام بیت یک جمله مستقل مرکب است.

همت از باد سحر می‌طلبم	گر خبر از من ببرد	به رفیقی که به طرف چمن است
جمله هسته (پایه)	جمله وابسته (پیرو)	جمله وابسته (پیرو)

یک جمله مستقل مرکب

۴۶ - واژه «قفس» وابسته وابسته از نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه است. مسلک مرغ قفس

در یک گروه اسمی، اگر سه اسم با کسره به هم اضافه شوند، اسم اول هسته و مضاف، اسم دوم، وابسته و مضاف‌الیه و اسم سوم، وابسته وابسته و مضاف‌الیه مضاف‌الیه است.



۴۷ - الف) لب و دندان ← مجاز از کل وجود

ب) خانه ← مجاز از وطن، میهن

۴۸ - ب) جامعه

واژه جامعه در غیر معنای حقیقی خود به کار رفته است و منظور گوینده از واژه «جامعه»، «مردم جامعه» است.

۴۹ - واژه «دل» مجاز است. مجاز از کل وجود. (دل، که جزئی از وجود است، ذکر شده است اما منظور، کل وجود است.)

دلم غم نداشت؛ یعنی خودم غم نداشتم.

۵۰ - آن خانه (مشبه) مانند بیت‌ال‌عزن (مشبهه) است.

دست (مجازاً به معنی ابزار دخالت است.) (اجانب

۵۱ - خانه: استعاره از وطن و کشور.

۵۲ - «الف» درست است.

جناس ناقص: کم و غم.

تکرار: «غم» سه بار تکرار شده است. «نداشت» سه بار. «بیش» و «کم» دو بار تکرار شده است.

واج‌آرایی: تکرار واج‌های «م» و «ش».

تضاد: بین «بیش و کم».

تناسب: «غم و دل».

۵۳ - الف) همت خواستن از باد سحر و خبر بردن باد سحر: استعاره (تشخیص) / طرف چمن مجاز از کشور (بیرون از زندان) / باد سحر نماد پیام‌رسانی / به طرف چمن بودن کنایه از

آزاد بودن / باد، خبر: مراعات‌نظیر / من، چمن: جناس ناهمسان

ب) غرقه به خون شدن جامه کنایه از کشته شدن / دریدن جامه کنایه از بی‌ارزش دانستن جامه / جامه مجاز از خود انسان / مانند کردن غیرمستقیم جامه به کفن: تشبیه

۵۴ - این ملک: ایران اهرمن: محمدعلی شاه

۵۵ - عارف قزوینی.

۵۶ - املای سه گروه از کلمات نادرست آمده است و شکل املایی درست آن‌ها چنین است:

عن قریب و نزدیک

حدس و گمان

هوس آواز

۵۷ - در بیت «پ»، ضمیر «ت»، مضاف‌الیه واژه «کام» است؛ بنابراین بعد از مضاف خود آمده است و جهش و جابه‌جایی صورت نگرفته است.

اما در بیت «الف»، در «نبیندت روی»، ضمیر «ت»، مضاف‌الیه «روی» است و در واقع باید به صورت «تا چشم بشر رویت را نبیند» به کار می‌رفت به همین دلیل، جابه‌جا شده و جهش یافته است.

در بیت «ب»، ضمیر «م» مضاف‌الیه «خاطر» است و باید به صورت «یاد گل و ستبل اندر خاطرم نگذرد» به کار می‌رفت به همین دلیل که از «خاطر» جدا شده و به آخر «ستبل» اضافه شده است، به این جابه‌جایی جهش ضمیر یا جابه‌جایی ضمیر می‌گوییم.

۵۸ - الف) به شیوه بلاغی است.

در شیوه نگارش بلاغی، ارکان دستوری جمله، جابه‌جا می‌شوند مانند ابیات بیت «ب» و «پ».

۵۹ - واژه «دماوند» قافیه است و نقش دستوری «منادا» را دارد که با واژه‌های «دیو» و «گنبد»، نقش دستوری یکسان دارد.

۶۰ - ترکیب‌های وصفی:

مشت درشت / ضربتی چندمشت درشت / ضربتی چند = چند ضربت : ترکیب وصفی مقلوب
صفت موصوف

ترکیب‌های اضافی:

«مشت روزگار»، «گردش قرن‌ها»، «مشت زمین»

۶۱ -

الف وصفی

ب اضافی

پ اضافی

ت وصفی و اضافی

ث وصفی

ج اضافی

۶۲ -

الف وصفی

ب وصفی و اضافی

مث آب خوردن ۲۰ غیر



پ وصفی

ت وصفی و اضافی

ث وصفی

ج وصفی و اضافی

۶۳ - برکشیدن معجز از سر کنایه از ترک موضع ضعف / بر تخت نشستن کنایه از قدرت و حکومت یافتن

۶۴ - الف) بنای ظلم: تشبیه، ظلم: مشبّه، بنا: مشبّه‌به

ب) دَم: مجاز از سخن. صحبت. (در اصل به معنی «نفس» است)

پ) زمین و گردون = (آسمان): تضاد

ت) سوخته و آتش / پند و شنو: مراعات نظیر و تناسب

۶۵ - گزینه «ب» درست است.

در این مصراع، دَم: مجاز از سخن است. ستوران: استعاره است نه تشبیه.

در گزینه «الف»، «مشت زمین»: استعاره و تشخیص است. ای مشت زمین: استعاره از دماوند است.

۶۶ - الف) حُسن تعلیل دارد؛ زیرا شاعر علت به وجود آمدن دماوند و بلندی آن را ورم نمودن قلب فسرده و غمگین و یخ‌زده زمین می‌داند که در اثر درد و رنج و تحمل ظلم و ستم ایجاد شده است.

* در بیت «ب»، هیچ علت هنری و غیرواقعی برای مسئله‌ای عادی مطرح نشده است؛ بنابراین، حُسن تعلیل ندارد.

۶۷ - بیت «الف» حسن تعلیل ندارد. خطاب به دماوند می‌گوید: به سوی آسمان برو و چند ضربه به سوی او بزن.

بیت «ب» حسن تعلیل دارد. شاعر علت نشستن برف بر قله دماوند را فرو نشاندن درد و ورم آن می‌داند.

بیت «پ» حسن تعلیل دارد. شاعر علت به آسمان رفتن دماوند و بالاتر بودنش از ابرها را دوری و بی‌زاری از مردم می‌داند.

۶۸ -

الف

آوردن علت خیالی برای پیدا شدن دماوند (مشت زدن زمین به آسمان از روی خشم): حسن تعلیل

ب

آوردن علت خیالی بلندی کوه (فرار کردن از دست مردم و بستن پیمان با خورشید و مشتری): حسن تعلیل

پ

آوردن علت خیالی برای وجود برف بر قله کوه (ضداد کافور گذاشتن): حسن تعلیل

۶۹ - گزینه «ا»

در بیت‌های صورت سوال و گزینه «ا» تشویق به مبارزه و حرکت دیده می‌شود.

۷۰ -

الف

ای دماوند که همچون دیو سپید (به خاطر پوشیده بودن از برف) گرفتار شده‌ای.

ب

این روسری سپید (برف‌هایی که بر سر داری) را کنار بزن.

پ

شما هر چه دستور بدهید، با کمال میل می‌پذیرم (انجام می‌دهم).

ت

بفرما بنشین. اگر این جوری رفتار کنی، همه می‌بینند (همه متوجه می‌شوند).

ث

به این بخش از کار فکر نکرده بودیم.

ج

(ای دماوند همچون یک سرباز) کلاه‌خودی نقره‌ای از جنس برف بر سر قله خود داری و کمربندی آهنین از جنس سنگ و مخره بر کمرت بسته‌ای.

چ

تو با شیر سپهر (خورشید) هم‌پیمان شده و به آسمان رفته‌ای و به سیاره مشتری نزدیک شده‌ای.

۷۱ - با توجه به اینکه «دماوند»، نماد آزادی‌خواهان ایران است و به سبب درد و رنج فراوان، ورم کرده و به سوی آسمان رفته است؛ شاعر با این تصویر می‌خواهد نهایت ظلم و ستمی را که بر آزادی‌خواهان می‌رود، بیان نماید.

۷۲ -

الف

ای قلب روزگار (ای دماوند)، منفجر شو (اعتراض کن) و راضی نباش که آتش (خشم درونی) تو پنهان بماند.

ب

آتش (خشم درونی) خود را پنهان مکن (اعتراض کن) و از این سوخته زجر کشیده (شاعر دردمند)، پندی بشنو.

پ

(ای دماوند)، تو قلب یخ‌زده و غم‌زده زمین هستی که به سبب شدت درد و رنج، چند مدتی است (مقداری) ورم کرده‌ای (متورم شده و بالا آمده‌ای)

۷۳ -

الف

توصیف برف قله و مخره‌های اطراف / آماده رزم بودن آزادی‌خواهان

**ب**

بلندی کوه / گوشه‌گیری و مردم‌گریزی

پ

بلندی کوه / گوشه‌گیری و مردم‌گریزی

ت

دعوت به گرفتن انتقام مردم / توجه به خردمند و نکوهش بی‌خرد

۷۴ -

الف

نه [اشتباه کردم] تو مشقت در شست روزگار نیستی. ای کوه دماوند، از آنچه گفته‌ام راضی نیستی.

ب

برای اینکه درد و التهاب تو التیام پیدا کند، مرهم (برف) بر آن گذاشتند.

پ

ای دماوند، ساکت نمان و حرف بزن. ناراحت نباش و با خوشی و شادی بخند.

ت

اگر خشم و ناراحتی خود را پنهان نگه داری (بروز ندهی)، به جانت سوگند می‌خورم که جانت را می‌سوزاند.

ث

ای دماوند که مانند مادری با سر و موهای سفید هستی، نصیحت این فرزند بدبخت و تیره‌روزی را بپذیر.

ج

[ای دماوند،] پایه و اساس دورویی و ریا را ویران کن و این اصل و نصب را از بین ببر.

۷۵ - «تا» در گزینه «ب» به معنی «تا این‌که» و «برای این‌که» است.

«تا» در گزینه «الف» و «پ» به معنی «از وقتی که» است.

«تا» در هر سه مورد حرف (ربط) است.

۷۶ - الف) به معنی «اجازه» / ب) به معنی «وزیر» / پ) به معنی «وزیر» / ت) به معنی «راهنما»

۷۷ - زن ← ظن

۷۸ -

الف

مضارع التزامی

ب

مسند نهاد

۷۹ - ترکیب‌های وصفی اییات:

۱ - هر جمعیتی ۲- راه پرخون

ترکیب‌های اضافی:

۱- جفت بدحالان ۲- جفت خوش‌حالان ۳- حدیث راه ۴- قصه‌های عشق ۵- عشق مجنون

۸۰ - پاسخ درست: «اسرار» مفعول است: () اسرار من را از درون من

نچست
فعل گذرا به مفعولهیچ‌کس (نهاد) (مخوف)
مفعول

بقیه واژه‌ها، مسند هستند:

من به هر جمعیتی نالان شدم.
نهاد مسند فعل اسنادی() جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم.
من نهاد مخوف مسند فعل اسنادیهرکسی از ظن خود یار من شد.
نهاد مسند فعل اسنادی

۸۱ - پاسخ درست گزینه «پ» است.

لیک چشم و گوش را آن نور نیست ← لیکن آن نور برای چشم و گوش نیست (وجود ندارد).

متمم معطوف

بررسی سایر گزینه‌ها:

الف) در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند ← مرد و زن در نفیرم نالیده‌اند.

نهاد معطوف

ب) جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم ← () جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم.

نهاد مخوف (من) مسند مضاف‌الیه معطوف

ت) تا درد و ورم فرونشینند.
نهاد معطوف فعل

۸۲ -

الف

وابسته‌های پیشین: هر / وابسته‌های پسین: «ی» در «جمعیتی»

بدحالان (مضاف‌الیه) - خوش‌حالان (معطوف به مضاف‌الیه)

(ان) «در بدحالان» و (ان) در «خوش‌حالان»: ۵ وابسته پسین

**الف**

«اصل»: متمم

ب

«این»: صفت اشاره

پ

«نی»: نهاد

ت

«چون»: قید

۸۴ - هفت جمله: رفت (۱) / گو (۲) / رو (۳) / نیست (۴) / بمان (۵) / ای آن که (منادا) (۶) / نیست (۷)

۸۵ - آتش در مصراع دوم: استعاره از صدای نی (همان ناله‌های جدایی).

۸۶ - سیر شدن: کنایه از «بیزار شدن و خسته شدن» / ماهی: استعاره از عاشق واقعی / آب: استعاره از عشق / شد: تکرار و ردیف / «روزی و روز» و «سیر و دیر»: جناس ناقص (ناهمسان)

۸۷ - گزینه‌های (الف و ب)

الف) نی ← نماد عارف و انسان آگاه

ب) ماهی ← نماد و تمثیل از عارف

اما در گزینه ج ← نیستان تمثیل به عالم معنا دارد.

- ۸۸

الف

«تو»: عشق

ب

آوردن حرف ندای «ای» برای «عشق» و «سخن گفتن با روزها»

پ

در نیاید حال پخته هیچ خام.

ت

بیت اول به ماجرای عشق مجنون به لیلی اشاره دارد که هر دوی آنها در این عشق جان می‌بازند.

ث

روزها: مجاز از عمر انسان

- ۸۹

الف

نی استعاره از مولانا

ب

جوشش عشق: اضافه استعاری

پ

حریف و همنشین بودن نی: استعاره و تشخیص

ت

مشتری زبان بودن گوش: استعاره و تشخیص / بی‌هوش مجاز از عاشق

۹۰ - الف) سیر / شیر - زهره / زهره

ب) شراب / خراب - باده - باد - دست - است

ج) زاغ / باغ - زاغ / باغ - باغ / راغ - راغ / فراغ

- ۹۱

الف

اسلوب معادله (مصراع اول مصداق و معادلی برای مصراع دوم)

ب

اسلوب معادله (مصراع دوم مصداق و معادلی برای مصراع اول)

پ

پرده و پرده: جناس همسان ⇐ اولی اصطلاحی در موسیقی، دومی یعنی پوشش و حجاب

ت

اسلوب معادله (مصراع دوم مصداق و معادلی برای مصراع اول)

ث

نیست باد و نیست باد: جناس همسان ⇐ اولی یعنی باد نیست، دومی یعنی نابود باد (فعل دعایی)

ج

اسلوب معادله (مصراع دوم مصداق و معادلی برای مصراع اول)

۹۲ - گزینه (پ) درست است.

بی‌هوش: کنایه از عاشق - محرم این هوش جز بی‌هوش نیست: متناقض‌نما (پارادوکس)

زبان: مجاز از سخن - مشتری بودن گوش: تشخیص و آدم‌نمایی (استعاره)

مصراع دوم، شاهد و تکرار مفهوم مصراع اول است: اسلوب معادله - مصراع دوم، امروزه جنبه تمثیل دارد.

تکرار واج «ش»: واج آرایه - بین «زبان» و «گوش»: تناسب

۹۳ - بیت شماره ۱ با گزینه «الف» مفهوم یکسان دارد. (بی‌اهمیتی همه چیز در برابر عشق و معشوق)

۵۷

بیت شماره ۲ با گزینه «ب» مفهوم یکسان دارد. (بازگشت هر چیز به اصل خود)



بیت شماره ۳ با گزینه «ب» مفهوم یکسان دارد. (راز عشق را هرکس بر طبق درک خود می‌فهمد.)

۹۴ - پاسخ درست گزینه «الف» است.

خطاب خداوند به حضرت موسی است که به او می‌گوید: تو برای این پیامبر شده‌ای که بندگان ما را به ما نزدیک کنی؛ نه اینکه آنها را از ما دور کنی.

دیگر ابیات به «بازگشت هر چیزی به اصل خویش» اشاره دارند.

۹۵ - سکوت

۹۶ - آب: استعاره از عشق و معرفت / سیر شد: کنایه از بیزار و خسته شد / بی‌روزی: کسی که از عشق بی‌بهره است / روزش دیر شد: روزگارش تباہ شد، سپری شد، به پایان رسید.

۹۷ - مفهوم شماره ۱ به بیت «ب» وصل می‌شود.

مفهوم شماره ۲ به بیت «الف» وصل می‌شود.

مفهوم شماره ۳ به بیت «پ» وصل می‌شود.

۹۸ - محنت و اندوه

۹۹ - الف) درخور، میسر ب) نیرو و خوراک ج) پایان، نهایت

۱۰۰ - او بنده خود را عاشق خود کند.

نهاد گروه مفعول گروه مسند فعل اسنادی

جمله چهارجزئی با مفعول و مسند.

۱۰۱ - مفعول

۱۰۲ - هر دو جمله چهارجزئی با مفعول و مسند هستند.

تو] حیات از عشق می‌شناس و [تو] ممات بی‌عشق می‌یابد.

نهاد محذوف مفعول مسند فعل اسنادی نهاد محذوف مفعول مسند فعل اسنادی

۱۰۳ - الف) آتش عشق: گروه نهاد برای فعل «گرداند»

ب) همه جهان: مفعول (بدون را) برای فعل «بیند» / آتش: مسند برای «بیند» (اینجا به معنی «پندارد» است).

۱۰۴ - الف) هر که: نهاد ب) خودبین: مسند ج) بود: فعل اسنادی

۱۰۵ - [ان‌ها] آنرا عشق می‌خوانند.

نهاد محذوف مفعول مسند فعل اسنادی

۱۰۶ - گزینه ۱: جمله «آن را عشق خوانند» با مفعول و مسند است. «آنها»: نهاد (که محذوف است)؛ «آن» مفعول؛ «عشق»: مسند؛ «خواننده»: فعل

۱۰۷ - واژه «کف» در معنای مجازی به کار رفته و مفهوم آن «قدرت و توانایی» است.

۱۰۸ - فریاد برانگیختن خاموشی پارادوکس است. خاموشی جنون فریاد برانگیخته است.

۱۰۹ -

الف

قدم نهادن کنایه از وارد شدن (در اینجا: عاشق شدن و پیمودن راه عشق) / با جان بودن کنایه از وابستگی به خود و مادیت / در سامان نبودن کنایه از ناروا بودن /

عشق، جان: تکرار

ب

رساندن بنده به وسیله عشق: استعاره (تشخیص) / حیات، ممات: تضاد / بی‌عشق چگونه زندگانی کند: پرسش تأکیدی

پ

مهربان‌تر از برگ، بوسه‌های باران، بیداری ستاره، چشم جویباران: استعاره (تشخیص) / «برگ، باران، جویبار» - «چشم، بیداری»: مراعات نظیر

۱۱۰ - مفهوم هر دو عبارت این است که «زندگی بدون عشق، تفاوتی با مرگ ندارد». در عبارت (الف) «نیستی» به معنی مرگ است و در عبارت (ب) نیز «مات» به معنی مرگ است و هر دو عبارت زندگی بدون عشق را مرده می‌دانند.

۱۱۱ - پاک‌بازی عاشق

۱۱۲ - ناپایداری دنیا و اینکه عشق همیشه بوده و هست.

۱۱۳ - گزینه «۴»: «پروانه» در مفهوم نمادین «عاشق و واقعی» به کار رفته است.

۱۱۴ - شهاب‌الدین سهروردی، معروف به «شیخ اشراق»، فیلسوف نامدار قرن ششم هجری است.

۱۱۵ - محمدرضا شفیعی کدکنی

۱۱۶ - الف) طاق: فرد، یگانه، بی‌نظیر، ضد جفت

ب) طاق: ایوان

پ) طاق: سقف خمیده و محدب

۱۱۷ -

الف

دست: ممیز

ب

چمنی: صفت صفت

۱۱۸ - دو تخته فرش

نوع وابسته وابسته: ممیز



۱۱۹ -

الف

صفت مضاف‌الیه

خواندن این مطلب

ب

۱۲۰ - خویش

روزگار وصل خویش



۱۲۱ -

الف

این

ب

صفت مضاف‌الیه

۱۲۲ -

الف

پنج جفت جوراب



ب

کتاب برادران کارامازوف

متولّدین سیزده آبان

بچه‌های کدام محله؟

خاطره‌انگیز بودن این اتفاق

سه فروند هواپیما

(ب) هوای نسبتاً خنک

(الف) نظر این دانش آموز

(د) پنج فروند هواپیما

(ج) راه مدرسه دوست داشتنی

۱۲۳ -

۱۲۴ - الف) تیغ جفا: تشبیه

(ب) سر و تن چوب: تشخیص

(ج) حسن تعلیل برای خالی بودن میان نی که شاعر دلیلش را تحمل سختی‌ها دانسته است.

(ه) صد تیغ: اغراق

(و) سر و تن: مجاز از تمام وجود

۱۲۵ - ۱. واج‌آرایی «ک»

۲. تلمیح به کیکاووس پادشاه کیانی

۳. جناس تام بین: کی به معنی پادشاه با کی به معنی چه زمانی؟

۴. ابهام در کلمه «کی» (دومین کی): ۱. پادشاه بود. ۲. چه زمانی بود؟

۱۲۶ - الف) روز: مجاز از زمانی و روزگاری / دنیا: مجاز از اهل دنیا / روم: مجاز از امپراتوری روم / به روم چشم داشت: کنایه از توجه داشت / از آن چشم می‌زد: کنایه از می‌ترسید / دنیایی چشم داشت: اغراق.

(ب) تلمیح به ماجرای کاووس، پادشاه کیانی / تکرار (واژه‌آرایی): کی (دوم و سوم) / واج‌آرایی (نغمه حروف): ک و ن / جناس تام (همسان): بین کی اول (شاه) با کی دوم / سوم (چه زمانی) / کی سوم: ابهام تناسب: ۱- چه زمانی؟ ۲- در تناسب با «کاووس» و «کیانی» به معنی «پادشاه»

(پ) دل‌گرمی: کنایه از امید و نشاط / دهم‌سردی: کنایه از ناامیدی و یأس / دل‌گرمی با دهم‌سردی: تضاد / مرداد با دی: تضاد / تناسب: مرداد و دی / حسن‌تعلیل: دلیل گرمای مرداد، دل‌گرمی ماست و دلیل سرمای دی، دهم‌سردی ماست واج‌آرایی: م و د

۱۲۷ - زودگذر و ناپایدار بودن قدرت



راستی خاتم فیروزه بواسحاقی
توضیح: اشاره به ناپایداری و زودگذری حکومت (شعر حافظ بیانگر تأسف بر زودگذر بودن حکومت خوشایند و دوست‌داشتنی شاه ابواسحاق است).

۱۲۹ - از چاله به چاه افتادن

۱۳۰ - الف) رنج شاهان برای رسیدن به قدرت و حفظ آن.

ب) نقش راهنما و پیر در یافتن حقیقت و رسیدن به قرب.

۱۳۱ - عشق، بی‌نظیر است و بی‌نظیران را قبول می‌کند و شریک نمی‌پذیرد؛ اگر بر شیوه عشق حرکت می‌کنی بی‌نظیر و یگانه باش.

۱۳۲ - خضر که خوش‌قدم نام گرفته، روش پیمودن راه شناخت را از سخنان گیرای پیر میخانه آموخته است.

۱۳۳ - «از ترس گرفتاری و مشکلات حکومت دموکراسی که مانند عقرب بسیار کشنده است به ناچار به حکومت نظامیان رضایت داده که مانند مار سمی خطرناکی است.»

۱۳۴ - غلطها: خان- صخره- نشئه- مأمور

۱۳۵ - سه دست لباس ایرانی: (دست: ممیز) / قلب آن کویر: (آن: صفت مضاف‌الیه) / هوای نسبتاً پاک: (نسبتاً: قید صفت) / شاگرد حوزه ادبی: (ادبی: صفت مضاف‌الیه)

۱۳۶ - الف) خبری

ب) آن شب: قید / نظاره آسمان: متمم

۱۳۷ - آن: صفت مضاف‌الیه

۱۳۸ - گروه‌های اسمی:

تفنگ خفیف: گروه اسمی: مفعول

دستم: گروه اسمی: متمم

۱۳۹ - تلمیح: اشاره به راز و نیاز امام علی با چاه

تشبیه: آسمان کویر به نخلستان خاموش، مشت قلبم، باران سکوت

تشخیص: کویر می‌فرماید، حلقوم چاه ...

مجاز: مدینه مجاز از مردم کوفه

۱۴۰ - ۱. دیرین با شیرین: جناس ناقص

۲. زندگی شیرین: حس‌آمیزی

۳. شیرین: مجاز از دلپذیر و خوشایند

۴. از سرگرفتند: کنایه از آغاز کردن

۱۴۱ - الف) مضمون عبارت «بازگشت به اصل» است که با عبارت: «هر سال تابستان‌ها را به اصل خود، مزینان باز می‌گشتیم.» تناسب معنایی دارد.

همچنین بخش: «بر کف‌ها کاسه زیبایی / بر لب‌ها تلخی دانایی» به مقایسه و تفاوت نگرش شهری و روستایی اشاره دارد.

ب) مضمون شعر «تسبیح‌گویی کل هستی است» که با متن: «هر درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد.» ارتباط دارد.

۱۴۲ - نویسنده در این دو عبارت، دیدگاه مردم پیشرفته متمدن شهری‌ها را با نگرش روستاییان کویرنشین که گاه حمل می‌کنند مقایسه می‌نماید و نگاه روستاییان را برتر، پیشرفته‌تر، عاطفی‌تر و عاشقانه‌تر می‌داند.

۱۴۳ - از عرش به فرش افتادن: از اوج عزت به نهایت خواری رسیدن.

۱۴۴ - اشاره دارد به آیه یک سوره اسرا: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ: پاک و منزّه است آن (خدایی) که بنده‌اش را از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی که اطرافش را برکت داده‌ایم شبانه برد، تا از نشانه‌های خود به او نشان دهیم. همانا او شنوا و بیناست.»

۱۴۵ - حسب‌حال (اتوبیوگرافی) است زیرا نویسنده خود، شرح‌حال خود را با احساس و عاطفه نگاشته است.

۱۴۶ - منظور این است که: «از ظاهر کلام عبور کنید و به باطن و محتوای کلام پی ببرید.» «توجه به باطن و عمق کلام به‌جای ظاهر کلمات»

۱۴۷ - به‌ترتیب: منظور: «۱ و ۲: حضرت علی (ع) ۳. علی شریعتی ۴. شهر کوفه» است.

۱۴۸ - «فراهم شدن زمینه بازگشت» یا «برطرف شدن مشکلات یا آسان شدن کارها»

۱۴۹ - میل فطری انسان برای بازگشت به اصل

۱۵۰ - برگرفته از شعر زیر، سروده حافظ:

«مزرع سبز فلک دیدم و داس مِه نو
یادم از کشته خویشت آمد و هنگام درو»

۱۵۱ - حسب حال

۱۵۲ - گزینه اول ← دریا ← استعاره از جهان دیگر

گزینه دوم ← نسیم سحرخیز ← استعاره از نسیم انقلاب اسلامی

باغ ← استعاره از دنیا

گل ← استعاره از خوبی‌ها

۱۵۳ - تکرار صامت «غ»: واج‌آرایی / غرق غبار و غربت بودن کنایه از گرفتاری و تنهایی / باران نماد آزادی / جویبار نماد رهایی و حرکت / در انتظار بودن جویبار: استعاره

(تشخیص) / تقابل «غبار» با «باران»: تضاد



۱۵۴ - گزینه (اول) صحیح است.

- در بیت سؤال به ماندگاری نام نیک در دنیا اشاره می‌کند که همین مضمون از گزینه «الف» دریافت می‌شود؛ اگر نیکی کنی نامت می‌ماند. بوی (به معنای «می‌شوی») بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه ب ← به نیکی کردن توصیه می‌کند و می‌گوید با بدی، کسی دنیا را به دست نمی‌آورد.

گزینه ج ← با تدبیر وزیر دانشمندش به نیکی کردن معروف و مشهور شد.

- دو گزینه دیگر به ماندگاری نام نیک اشاره‌ای ندارند.

- ۱۵۵

الف

محمد بهمن‌بیگی

ب

سندبادنامه

۱۵۶ - الف) دادگاه و دفترخانه (ب) استشهادنامه و گواهی‌نامه (ج) حضور

- ۱۵۷

الف

روژه ← ذکر مصیبت و نوحه‌سرایی - آنچه در مراسم عزاداری می‌خوانند (مرثیه)

مجسم ← تجسم‌یافته - آشکارکننده

ب

محضر ← دفترخانه - دادگاه - محل حضور - گواهی‌نامه - استشهادنامه (مجاز از قیامت)

پ

پگاه ← صبح زود

ت

شرف ← بزرگواری - ارجمندی - حرمت و اعتبار اجتماعی (آبرو)

- ۱۵۸

الف

عتاب و سرزنش

ب

بها نه‌گیری - سستی - کاهلی - اهمال

پ

محافظ - نگهدارنده - بند شمشیر

ت

تیّه خاکی - پُشته

- ۱۵۹

الف

سیاهی - سایه خیالی

ب

مقدمه متن - آغاز هر نوشته

پ

زینت و آرایش

ت

ایثار و فداکاری

۱۶۰ - «جناق / جتاغ»

۱۶۱ - املاي کلمات نادرست:

«شبح و سایه - تشر زدن - صدای مهیب - انهدام تیربار - تمایل و خواسته»

توجه: شکل واژه جتاغ با هر دو حرف «ق» و «غ» صحیح است.

۱۶۲ - خاسته (نادرست) ← خواسته (درست)

محیب (نادرست) ← مهیب (درست)

هزم (نادرست) ← هضم (درست)

- ۱۶۳

الف

اصلح شده
طل ← تل (درست است)

ب

اصلح شده
قریب ← غریب (درست است)

۱۶۴ - شرح سؤال:

ترکیب‌های وصفی ← پای لنگ - هر روز - یک پا - دو عصا - اینجا - هر روز - این پا - چیز بیشتر - آن شب - شب عزیز - (۱۰ مورد)

ترکیب‌های اضافی ← افتخار من - خود من - دل‌خوشی من - گرد قاب - قاب عکس - عکس شما - گل‌دان شما - خاطرات من - یاد من - (۱۰ مورد)

۱۶۵ - الف) در مصراع دوم ← مُسلم ایهام دارد ← ۱- پیرو و مسلمان ۲- حضرت مسلم (ع)

ب) ایهام ندارد.



نظامی ← ۱- شاعر ۲- سرباز نظامی / قصر شیرین ← ۱- قصر شیرین خانم ۲- شهر قصر شیرین کرمانشاه

۱۶۶ -

الف

گرم حرف زدن کنایه از صمیمی حرف زدن / نیفتادن شوخی از کلام کنایه از بی‌وقفه شوخی کردن (ادامه داشتن شوخی) / کلام گرم: حس‌آمیزی / کلام مجاز از سخن

دلنشین

ب

مزمره کردن خواب، چشیدن خواب: حس‌آمیزی / سیر خوابیدن کنایه از کامل و راحت خوابیدن / ایستاده، نشست: تضاد

پ

خورشید، ماه استعاره از سر / نشستن خورشید روی خاک: استعاره (تشخیص) / ماه و راه: جناس ناهمسان / خورشید، ماه: مراعات‌نظیر

ت

اشاره به داستان حضرت یوسف و ماجرای به چاه افکندن او: تلمیح / علت بیرون نیامدن حضرت یوسف از چاه به دلیل شرمندگی و خجالت: حسن تعلیل

۱۶۷ - هر دو توصیف‌کنندهٔ رزمندگان شجاعی است که جانبازی و فداکاری را افتخار می‌دانند و در دل، هیچ هراسی از مرگ ندارند.

۱۶۸ -

الف

بی‌نیاز بودن عاشق از گواه / عشق شهادت

ب

برتری زیبایی معنویت شهادت بر زیبایی ظاهری

پ

تحمل اسارت مانند حضرت زینب (س) / اشتیاق دیدار مولا

ت

شرافتمندی، انتظار دیدار

۱۶۹ -

۱) دستور: وزیر- مشاور

۳) خست: زخمی کردن

۵) قبا: لباس - لباس بلند تا زانو

۱۷۰ -

الف

«هاماوران»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

ب

«بلند»: صفت مضاف‌الیه

پ

ضمیر «ش» در «نعلش»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

ت

«نیکی دهش»: صفت مضاف‌الیه

۱۷۱ -

الف

تقدّم فعل بر نهاد (موبد) و متمم (شاه) / تقدّم فعل بر مسند (نهان)

ب

تقدّم فعل بر مسند (ارجمند) / تقدّم فعل بر مفعول (گزند)

پ

تقدّم فعل بر نهاد (سودابه) و قید (پیش) / تقدّم فعل بر متمم (گفتار)

ت

تقدّم فعل بر نهاد (جان) و متمم (فرزند و سودابه)

ث

تقدّم فعل بر نهاد در هر دو جمله (آیین و راه)

ج

تقدّم فعل بر نهاد (شاه) / تقدّم فعل بر مفعول (نفت)

چ

تقدّم فعل بر متمم در هر دو جمله (پیش، سر)

۱۷۲ - الف) پور جوان ← ترکیب وصفی

شاه زمین: ترکیب اضافی

رایت ← ترکیب اضافی

ب) دو صد مرد آتش فروز ← ترکیب وصفی

پ) همه دشت ← ترکیب وصفی

آن چهر خندان ← ترکیب وصفی

چهر او ← ترکیب اضافی

۱۷۳ - الف) «ملی»، زیرا به آداب و رسوم اشاره می‌کند.

ب) «قهرمانی»، حضور سیاوش که قهرمان داستان است.

پ) «خرق عادت»، عبور از آتش و آسیب ندیدن ویژگی خرق عادت است.

مث آ ب خوردن ۲۰



۱۷۴ -

الف

زمینه ملّی

ب

زمینه ملّی

پ

زمینه قهرمانی

ت

زمینه قهرمانی / مصراع اوّل (ملّی)

ث

زمینه قهرمانی / مصراع اوّل (ملّی)

ج

زمینه خرق عادت

چ

زمینه ملّی

ح

زمینه ملّی

۱۷۵ - الف) طاق ← ایوان کاخ

ب) طاق مسجد ← محراب

ج) طاق ← یکتا و فرد (در اینجا کسی مورد نظر است که بی‌همتا و فرد است.)

۱۷۶ - املای کلمات نادرست:

درست

ایار ← عیار

درست

بهر ← بھر

قدر ← غدر

۱۷۷ - تختی‌ها

روکش تابوت تختی‌ها

۱۷۸ - بس که زهر زخم‌ها کاریش

- ۱۷۹

الف

هر چند که بیرون مانند ترس، تاریک و سرد و بی‌روح بود، قهوه‌خانه (فضای داستان شاهنامه) که پناهگاه من بود، همانند شرم و پاکی، گرم و روشن بود.

ب

و با خود می‌اندیشید که نباید چیزی بگوید؛ از بس که این فریبکاری پست و بی‌شرمانه است، باید چشمش را ببندد تا چیزی از این دنیای فریب‌آلود نبیند.

پ

در ته چاه تاریک و پهناوری که در هر طرف آن، بر کف و دیوارهایش نیزه و خنجر کاشته شده بود، چاهی که نشانه فریبکاری نامردان و افراد پست و بی‌عاطفه بود؛ چنان چاهی که پهنا و بی‌شرمی آن باورکردنی نبود و بسیار غم‌انگیز و شگفت‌آور بود.

۱۸۰ - بی‌شرمی لازم برای کندن چنان چاهی را بیان می‌کند. بی‌شرمی کندن چاه مثل عمق آن بی‌اتنها و ناباورانه است.

۱۸۱ - الف) لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره باران

ب) خورشید رفته است سر شب سراغ ماه

ج) بود لبریز از عشقت وجودم؛ میهن ای میهن!

۱۸۲ - اعانت و یاری - مصدر مجلس - زوال و نابودی - وجه زاد

۱۸۳ - الف یا در عشق کسی قدم نهاد کش جان نیست

۱۸۴ - گزینه (الف)؛ ضمیر پرسشی در معنای چگونه

در گزینه‌های (ب) و (ج)؛ حرف ربط

۱۸۵ - «ت» در مصرع اول متمم و در مصرع دوم مضاف‌الیه است؛

بعد از این برای تو وادی حیرت آید. / کارت دائم درد و حسرت است.

۱۸۶ - در جمله اول، «عاشق» مسند است. آن کسی عاشق است که ...

در جمله دوم، «چون آتش» مسند است، مسند (از جنس متمم).

در ظاهر، «آتش» بعد از حرف اضافه «چون» به‌کار رفته است اما با توجه به نوع فعل جمله، «چون آتش» مسند است.

«چون» اگر به‌معنی مثل و مانند باشد، (حرف اضافه) ادات تشبیه محسوب می‌شود.

- ۱۸۷

الف

درست

ب

درست

پ

نادرست

مث آب خوردن ۲۰ بذر



ت نادرست

۱۸۸ - بلبل: کسانی که وابسته به زیبایی‌های زودگذر و ظاهری هستند.
باز: افراد جاه‌طلب که نمی‌توانند از جاه و مقام خویش بگذرند.

سیمرغ: خداوند

مرغان: انسان‌ها و ساکنان راه حق

۱۸۹ - «الف» مجاز ندارد.

در بیت «ب»، «روی»: مجاز از تمام وجود است.

در بیت «پ»، «مرد»: مجاز از انسان

در بیت «ت»، «آشکارا و نهان»: مجاز از همه پرنندگان

۱۹۰ - گزینه «ب» درست است.

در این بیت، یک استعاره وجود دارد.

«بیابان» استعاره از وادی توحید است.

در گزینه «الف»، دو استعاره وجود دارد:

سایه: استعاره از موجودات

خورشید: استعاره از خداوند

در گزینه «پ»، دو استعاره وجود دارد:

آتش: استعاره از عشق

غرق آتش: آتش (عشق) مانند آب است که انسان را در خود غرق می‌کند.

۱۹۱ - گزینه «پ» درست است.

در بیت، تشبیه وجود ندارد.

تکرار: سیمرغ

جناس: ۱- سیمرغ ۲- زود، بود ۳- آن، این

استعاره: ۱- سیمرغ: سالکان ۲- سیمرغ: وجود حق تعالی

۱۹۲ -

الف

هفته: مجاز از زمان کوتاه فرسنگ: مجاز از مسافت

ب

«راه»، استعاره از «عشق الهی» است.

۱۹۳ - اشاره دارد به ماجرای رانده شدن انسان (آدم و حوا) از بهشت که به وسوسه شیطان از شجره ممنوعه خوردند و از بهشت به زمین رانده شدند و طاووس نیز مانند انسان اکنون خود را متعلق به این دنیا نمی‌داند و بهشت را جلوه‌گاه و جایگاه خود می‌داند.

۱۹۴ -

الف

«شاه» و «راه»: جناس ناهمسان (ناقص)

ب

واج‌آرایی: تکرار صامت «ر»

پ

«افسرده و یخ‌زده بودن دوزخ»: متناقض‌نما (پارادوکس)

۱۹۵ - وادی عشق: تشبیه «عشق: مشبه، وادی: مشبه‌به»

آتش: استعاره از عشق

غرق آتش: استعاره (آتش مانند آبی است که انسان را غرق می‌کند).
مشبه مشبه‌به

مشبه‌به نیامده است؛ بنابراین این عبارت استعاره دارد.

غرق آتش: پارادوکس (غرق کردن، ویژگی آب است و آتش یا همان عشق، مانند آبی است که فرد را غرق می‌کند؛ بنابراین، چون ویژگی آب و آتش را یکجا جمع کرده است، پارادوکس است.)

واج‌آرایی: تکرار حروف «د» و «ش»

۱۹۶ - گزینه «پ» درست است. در این بیت، سیمرغ و سیمرغ: جناس تام است. بیت، تشبیه ندارد.

در گزینه «الف»، هفت دوزخ مثل یخ افسرده‌ای است: متناقض‌نما (دوزخ که جایگاه آتش است، همچو یخ منجمد است).

جنت و بهشت: تضاد

در گزینه «ب»، معرفت، وادی‌ای است: تشبیه (معرفت: مشبه، وادی: مشبه‌به)

بی‌پا و سر: کنایه از بی‌انتها

در گزینه «ت»، «صدر: مجاز از مقام / قدر و صدر: جناس

۱۹۷ -

الف

آتش استعاره از عشق / غرق آتش: اضافه استعاری (آتش به آبی تشبیه شده است که در آن غرق می‌شوند. / تکرار صامت (د): واج‌آرایی / غرق آتش عشق شدن



کنایه از عاشق شدن

ب

مانند کردن هشت جنت به مرده: تشبیه / مانند کردن هفت دوزخ به یخ: تشبیه / اینکه هفت دوزخ مثل یخ، سرد و منجمد باشد: متناقض‌نما (پارادوکس) / مثل مرده‌ای بودن کنایه از بی‌ارزش بودن / هشت، هفت: جناس ناهمسان / جنت، دوزخ: تضاد و مراعات‌نظیر / هشت، هفت: مراعات‌نظیر

۱۹۸ - دشوار و پرخطر بودن راه عشق.

۱۹۹ -

سینه خواهم شرحه‌شرح از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

هر دو بیت به این مسئله اشاره دارند که راه و راز عشق را تنها عاشق دلسوخته و شجاع درمی‌یابد؛ زیرا راه عشق راه پرخوف و پرخطری است.

۲۰۰ - وجود الهی و ارزشمند انسان و یافتن خداوند در درون خود.

۲۰۱ - بیت صورت سؤال و بیت «الف» از «نی‌نامه» به سختی‌های راه عشق و خطرناک بودن مسیر آن اشاره دارند. اما بیت «ب» به مفهوم گذشتن از خواسته‌های نفسانی برای رسیدن به خداوند اشاره دارد.

۲۰۲ - پاسخ گزینه «ب» است. مفهوم بیت تشریح راه سیر و سلوک و طولانی شدن زمان و مسیر حرکت و رسیدن تعداد کمی از پرندگان (سالکان) به پیشگاه سیمرغ (خداوند) است؛ اما مفهوم دیگر گزینه‌ها بیان کثرت آثار و پدیده‌ها در عین واحد بودن حقیقت است و پدیده‌های متعدد را جلوه‌ای از وجود یگانه حضرت حق می‌داند.

۲۰۳ - الف) رها کردن این جهان و طلب کردن حقیقتی برتر از این جهان

ب) فنا شدن در راه عشق

۲۰۴ - خداوند در درون انسان است و انسان وجودی الهی و ارزشمند دارد (الهی بودن وجود انسان).

۲۰۵ - بیت «الف» مفهوم متفاوت دارد؛ به این معنا که برای رسیدن به کمال عشق، باید سختی‌ها و ناملایمات را تحمل کرد.

اما مفهوم بیت صورت سؤال و دیگر گزینه‌ها این است که همه ذرات و پدیده‌های جهان نمودی از خدا هستند و وجود خداوند در ذات همه پدیده‌ها ساری و جاری است.

۲۰۶ -

الف

فنا شدن در راه عشق؛ وادی فقر و فنا

ب

چیزی برتر از این جهان را طلب کردن؛ وادی طلب

پ

همه چیز را از خداوند دیدن؛ وادی توحید

۲۰۷ - همگی به وحدت و یگانگی می‌رسند.

۲۰۸ -

الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است

وادی فقر و فنا: از خود فانی شدن و ترک تعلقات دنیایی شرط رسیدن به وصال است.

ب) دل چه بندی در این سرای مجاز؟ همت پست کی رسد به فراز؟

وادی استغنا: کسی که دل‌بسته تعلقات دنیایی و نیازمند به آنها است، نمی‌تواند به کمال برسد. (سرای مجاز: استعاره از دنیا)

پ) چشم بگشا به گلستان و ببین جلوه آب صاف در گل و خار

وادی توحید: به وحدت وجود اشاره دارد و این که وجود حقیقی فقط از آن خداوند است و همه موجودات جلوه‌ای از وجود حقیقی او هستند.

۲۰۹ - الف) توحید (وادی پنجم)

ب) استغنا (وادی چهارم)

۲۱۰ - الف) ۳

ب) ۴

پ) ۶

ت) ۱

ث) ۵

ج) ۲

۲۱۱ - الف) فقر و فنا

ب) استغنا

پ) توحید

۲۱۲ - توحید. سر از یک گریبان بر کردن: کنایه از به وحدت و یگانگی رسیدن

۲۱۳ - بیت صورت سؤال به وادی چهارم (استغنا) اشاره دارد و با توجه به این که وادی پنجم، وادی «توحید» است، گزینه «ب» مربوط به این وادی است.

اما بیت «الف» به محو شدن موجودات و سایه‌ها در برابر خورشید وجود خداوند و وادی «فنا» اشاره دارد.

۲۱۴ - خورشید: استعاره از خداوند

ذره: استعاره از خواسته‌های کوچک

۲۱۵ - وادی سوم «معرفت» است که بعد از آن وادی استغنا است.

۲۱۶ - مدهزاران سایه جاوید: استعاره از همه موجودات

یک خورشید: استعاره از خداوند



۲۱۷ - «باز» که علاقه‌مند به پادشاهان و هم‌نشینی با آن‌هاست.

۲۱۸ - (۱ طلب ۲ عشق ۳ معرفت ۴ استغنا ۵ توحید ۶ حیرت ۷ فقر و فنا

۲۱۹ - حیرت - عشق

۲۲۰ - اتحاد عاشق و معشوق

بیت سه جمله دارد؛ «والسلام» شبه‌جمله است و یک جمله به حساب می‌آید.

۲۲۱ - کسی از راه عاشقی به سلامت برگشته است و این راه، راهی پس‌خطرناک است.

۲۲۲ - دشواری راه - وجود ترس از مشکلات یا علاقه به تعلقات مادی

- ۲۲۳

الف

مرجع ضمیر «آن»، وادی «عشق» و مرجع ضمیر «این»، وادی «توحید» است.

ب

وادی «معرفت»، وادی سوم و وادی «حیرت»، وادی ششم است.

- ۲۲۴

الف

وجود همه‌چیز را از خداوند دانستن. (جاری بودن وجود خداوند در همه پدیده‌ها)

ب

یادآور وادی توحید هستند.

- ۲۲۵

الف

شتر سخنان گرگ و روباه را به آن شکل شنید.

ب

خوراکی و غذای راهشان تنها به مقدار یک قرص نان بود.

پ

من آن شب در آنجا حضور داشتم و برای شما چراغ نگه‌می‌داشتم و به مادرت کمک می‌کردم.

ت

کسی که بتواند به خورشید (خداوند) رازهای خود را بگوید، هیچ‌وقت از رسیدن به ذره (خواسته‌های کوچک) باز نمی‌ماند (اکتفا نمی‌کند).

ث

عاشق، کسی است که مانند آتش، تیزرو (سریع)، سوزان و سرکش (مهارنشدنی) باشد.

ج

وقتی که از این بیابان (وادی توحید) عبور کنند، همه با هم یکی می‌شوند (به وحدت و یگانگی می‌رسند).

چ

در این مرحله (وادی استغنا)، هشت طبقه بهشت مانند مرده‌ای (بی‌ارزش) است و هفت طبقه جهنم مانند یخ، سرد و بی‌حرکت است.

ح

وقتی که آن سی‌پرنده به دقت نگاه کردند، زود متوجه شدند که قطعاً این سی‌مرغ (خودشان)، همان سیمرغ بود.

خ

برای پیمودن این راه، مردی شجاع و نیرومند لازم است؛ زیرا این راه (مسیر عرفان و خدانشناسی)، طولانی و پر خطر است. (موانع و سختی‌های بسیار دارد).

۲۲۶ - الف) فنا (وادی هفتم)

ب) توحید (وادی پنجم)

۲۲۷ - الف) بلبل ب) باز پ) طاووس

۲۲۸ - نظرخواهی: بیت «ب» ← واژه «استشاره»

خجستگی: بیت «الف» ← واژه «شگون»

ارتقا یافتن: بیت «پ» ← واژه «ترفع»

۲۲۹ - گزینه (ب)

در این گزینه مقصود عدد شصت است.

۲۳۰ - در جمله «فرمای آن روز دسته‌ای دیگر»، فعل «بیایند» به قرینه «بیایند» در جمله پیشین (یک روز یک دسته بیایند)، حذف شده است؛ بنابراین، چون لفظ «بیایند» به

خاطر وجود قرینه و مشابه آن، حذف شده است، به این نوع حذف، اصطلاحاً «حذف به قرینه لفظی» می‌گویند.

- ۲۳۱

الف

دو مورد: ولی، اما

ب

مضاف‌الیه

پ

دو جمله مستقل مرکب:

۱- من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد.

جمله هسته (پایه) جمله وابسته (پیرو)

۲- خوش ندارم که زیاد استعمال کنم. (حرف پیوند که نقش‌نمای جمله وابسته (پیرو) است، در جمله نیامده است).

جمله هسته (پایه) جمله وابسته (پیرو)

**الف**

یک مورد: این (این اثنا)، آقا (آقای استادی)

ب

من (مرا)، فلانی (ضمیر مبهم)، خود، «ش»

۲۳۳ - در این متن، پنج کنایه به کار رفته است:

برو برگرد نداشتن ← بدون چون و چرا و بدون بحث بودن

دست و پا کردن ← تهیه کردن/ فراهم کردن

کشف آمریکا ← انجام کار سخت و دشوار

شکستن گردن رستم ← انجام کار سخت و دشوار

کاری از دست کسی ساخته شدن ← کاری را به انجام رساندن

- ۲۳۴

الف

دیگران ← مشبه/ به جان غاز افتادند ← وجه شبهه

ب

کلکش را کردند (کلک چیزی را کردن)

پ

«به طور کامل خوردن غاز» طوری که هیچ بخشی از غاز باقی نمانده بود.

ت

کنایه از زمان کوتاه

- ۲۳۵

الف

چقدر توانایی داشتن

ب

خیره شدن

- ۲۳۶

الف

به خود وعده دادن/ خود را آماده خوردن نمودن

ب

انتظار بیهوده کشیدن

پ

توبه کردن از انجام دوباره کاری/ پشیمان شدن

ت

او را تنبیه کردن

ث

فهمیدن/ متوجه اوضاع و احوال خود شدن

ج

ترس و ضعف خود را نشان ندادن

چ

متوجه شدن

ح

کاری را به درستی انجام دادن

۲۳۷ - گزینه «ب» درست است.

شیء عَجَاب ← تلمیح به آیه ۵ / سوره ص: ﴿إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ﴾.

گردنش مثل گردن همان غاز مادرمرده‌ای بود ← تشبیه

مرد حسابی ← کنایه

۲۳۸ - تحلیل: در متن روان‌خوانی، رزمندگان با دید اسلامی و انقلابی خود، همه چیز را از خدا می‌دانستند و راه خود را راه خدا می‌دانستند؛ بنابراین، متن روان‌خوانی با آیه قرآن و بیت بالا تناسب مفهومی دارد.

۲۳۹ - ابیات «الف»، «ب» و «پ» به مفهوم «اندیشیدن پیش از سخن گفتن» اشاره دارند؛ زیرا سخنی که گفته شود، قابل جبران نیست.

بیت «ت» به مفهوم «به موقع سخن گفتن» اشاره دارد.

۲۴۰ - از آیه شریفه و بیت سنایی، این مفهوم مشترک برداشت می‌شود که «فاعل حقیقی همه کارها خداوند است. همه کارها به اذن و خواست خداوند انجام می‌شود».

* توضیح آیه چنین است ← خطاب به مسلمانان در جنگ می‌گوید: و تیر نینداختی هنگامی که انداختی؛ بلکه خداوند تیر انداخت.

* توضیح بیت چنین است ← انجام هر کاری از خداوند است و از ارکان (اعضای بدن و پدیده‌ها) نیست.

نسبت دادن کارها به اعضای بدن درست مانند این است که خطی را که زاینده خرد نویسنده است، به انگشتان دست نسبت بدهیم و این نشانه سطحی‌نگری و کوتاه‌بینی است.

۲۴۱ - بیت الف مفهوم متفاوت دارد؛ به این معنا که «نباید به ظالم فرصت ظلم داد و به او ترحم کرد».

مفهوم ابیات «ب و پ» یادآور ضرب‌المثل «از ماست که بر ماست» است و ریشه تمام بدبختی‌ها را در خود انسان جست‌وجو می‌کند.

۲۴۲ - گزینه (الف)

**الف**

باید در این موقع به خوبی از آنها پذیرایی کنی.

ب

فقیر و بی‌نوا و ضعیف و بی‌عرضه و بسیار زشت بدقیافه.

پ

شب عید نوروز بود و موقع بالا رفتن رتبه و مقام.

ت

فقط همان مقامات بالا را دعوت کن و بقیه را فعلاً نادیده بگیر و بگذار که بیهوده انتظار بکشند.

ث

در پرحرفی و شوخی و بذله‌گویی، همه را به سکوت واداشته بود و تنها گوینده مجلس و سخنگوی بی‌رقیب شده بود.

ج

به من ربطی ندارد. ماشاءالله، بلا به دور، پسرعموی خود تو است. هر کاری می‌کنی، به خاطر خودت می‌کنی.

چ

یکی از حاضران که ادعای شعر و ادب داشت، آن‌چنان خوشحال و بهره‌مند شده بود که جلو رفت و پیشانی شاعر را بوسید.

ح

تمام توجه و هوش و حواسم به مصطفی است که می‌آید بوی غاز او را از خود بی‌خود بکند و اختیارش را از دست بدهد.

خ

پیرمرد قوی‌هیکل (منظور سهراب، گوینده این جمله است.) مفیدتر است. همان‌طوری‌که هر دو صورت مرده و زندهٔ فیل به خاطر عاجش ارزشمند است، انسان ارزشمند نیز در هر شرایطی (خوب یا بد، مرده یا زنده) ارزشمند است.

د

گفتند: سهراب، کارت را خیلی درست انجام دادی. («ای‌والله» شبه‌جمله است و برای تأیید کار کسی به کار می‌رود.)

- ۲۴۴

الفکه آتش از آن گرمی (را) گدایی کند.
مفعول

- ۲۴۵

الف

شباهت (این روستا خانه‌هایی شبیه کندو دارد.)

ب

حالت (صفت فاعلی)

پ

زمان

ت

مکان

ث

«ان» پسوند نیست و قسمتی از واژه است.

ج

جمع

چ

منسوب به جان (نسبی)

ح

حالت (صفت فاعلی)

خ

منسوب به سیاوش (نسبی)

- ۲۴۶ حافظ

- ۲۴۷ میهن‌دوستی

- ۲۴۸

الف

تکراری نشدن و تازه ماندن عشق و عاشقی در همهٔ دوران

ب

ارزش بالای شادی در از بین بردن غم‌ها

- ۲۴۹

الف

گدایی کردن آتش: استعاره

ب

جبین دل: اضافهٔ استعاری

پ

پرتو استعاره از بصیرت و بینش

- ۲۵۰ مَث آبی خوردن ۲۰: غیر

مَث آبی خوردن ۲۰: غیر



سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگ‌های از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی کرمان

فاطمه‌شبان
پزشکی کرمان



سیده نرگس سجادی
پزشکی کرمان



سهیل قربانی
پزشکی کرمان



محمدسجادمشکی
پزشکی کرمان



سارا امیری خراسانی
پزشکی کرمان



الهام پورعوض مورو
پزشکی کرمان



محمدحسین اسلکیم
پزشکی کرمان



نسترن خسروی مقدم
پزشکی کرمان



محمد مهدلو ترکمانی
دندانپزشکی کرمان



زهرا محسن‌زاده
دندانپزشکی کرمان



علیرضا عبدالله‌پور
پزشکی کرمان



مهدی علیغزادگیوک
پزشکی کرمان



شیما شیخ حسینی‌لری
دندانپزشکی کرمان



سارا صحرانگرد
دندانپزشکی کرمان



سید مهدی میررشدی
دندانپزشکی کرمان



امیرعباس برومند
دندانپزشکی کرمان



فرزاد نادری
پزشکی کرمان



عاطفه سالاری
پزشکی کرمان



محمد مبین آقایی
فیزیوتراپی کرمان



مریم ایزانلو
داروسازی کرمان



علی کلانتری‌نژاد
پزشکی کرمان



نیلوفر ذوالفقاری
پزشکی کرمان



ندانصرتی
پزشکی کرمان



علی‌رودباری
پزشکی کرمان



فاطمه زهرامدورانی
پزشکی کرمان



پریا جرنندی
پزشکی کرمان



محمد مهدی صفری‌پور
پزشکی کرمان



نیما خواجه‌نژاد
پزشکی کرمان



فاطمه زادسر
پزشکی کرمان



زهرا اثنی‌عشری
پزشکی کرمان



پارسا صادقی
پزشکی کرمان



نیما مامادی
پزشکی کرمان



اله سادات‌ملیزاده
دندانپزشکی کرمان



محمد منصوری
دندانپزشکی کرمان



فریماه‌ساعی
دندانپزشکی کرمان



بهاره محلاتی
پزشکی کرمان



ملیکا طلاپکی
فیزیوتراپی کرمان



مینا حسینی
داروسازی کرمان



ارشیا مبارکی
دندانپزشکی کرمان



محمد علی شطرنجی
دندانپزشکی کرمان



مینا سلجوقی
دندانپزشکی کرمان



امیرحسین مهمان‌نواز
پزشکی کرمان



کیما محمدی
پزشکی کرمان



عرفان حسن‌زاده
فیزیوتراپی کرمان





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگ‌های از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی های کرمان

علی حمزه‌نژاد
پزشکی‌هم



عرشیانظری
پزشکی‌هم



فاطمه‌فخری
پزشکی‌هم



فریبا برقه‌ئی
پزشکی‌هم



فاطمه حسینی
پزشکی‌هم



مطهره سالاری
پزشکی‌هم



حجت‌دهش
پزشکی‌هم



کوثرجعفری
پزشکی‌هم



عرفان عبدی‌زاده
پزشکی‌هم



ریحانه مرادزاده
پزشکی‌رفسنجان



امیرمهدی دانافر
پزشکی‌رفسنجان



فرزانه اسمعیلی‌آبدر
پزشکی‌رفسنجان



ادلیا یشاریم
دندانپزشکی‌رفسنجان



زینب سادات حسینی
پزشکی‌رفسنجان



مبینا رسولی
پزشکی‌رفسنجان



زهرا لاهشیری
پزشکی‌رفسنجان



امیرحسین خسروی مشیزی
پزشکی‌رفسنجان



فاطمه احمدی هینمانی
دندانپزشکی‌رفسنجان



زهرا بقاءئی
دندان پزشکی‌رفسنجان



امیرحسین کاظمی
پزشکی‌رفسنجان



حسین دستجردی
پزشکی‌رفسنجان



محمد مهدی پورریاحی
دندان پزشکی‌رفسنجان



رضادستخون
پزشکی‌رفسنجان



یکتارحمانی
دندان پزشکی‌رفسنجان



نجمه راهی‌دهنوی
پزشکی‌جیرفت



ستایش شهریاریمقدم
پزشکی‌جیرفت



مینا شاهرخی‌ساردو
پزشکی‌جیرفت



حسین رضا زادبخت
پزشکی‌جیرفت



نیلوفر اورک
پزشکی‌جیرفت



محمد امین آقاچانی
پزشکی‌جیرفت





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگ‌ای از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی خرم‌آباد

امیرحسین اسدی
پزشکی خرم‌آباد



زهرا حیدری
پزشکی خرم‌آباد



سحر سورانی
پزشکی خرم‌آباد



یگانه‌یزدانی
پزشکی خرم‌آباد



نرگس یوسفی
پزشکی خرم‌آباد



غزال دهقانی
پزشکی خرم‌آباد



زهرا کلبانی
پزشکی خرم‌آباد



آرین لطیفی
پزشکی خرم‌آباد



ارسلان قوامی‌دهکردی
پزشکی خرم‌آباد



حسام‌پایی
پزشکی خرم‌آباد



رابعه قانع
پزشکی خرم‌آباد



بهاره شجاعی‌مهر
پزشکی خرم‌آباد



مریم شهسورای
پزشکی خرم‌آباد



فاطمه سوری
پزشکی خرم‌آباد



سبحان مصطفائی
پزشکی خرم‌آباد



فائزعالی
داروسازی خرم‌آباد



فاطمه کرمی
داروسازی خرم‌آباد



مبینا کاوسی
دندانپزشکی خرم‌آباد



محمد رضا همتی
پزشکی خرم‌آباد



طیبه ملک‌آسا
پزشکی خرم‌آباد



فاطمه دکاموند
پزشکی خرم‌آباد



طاها رضایی‌نسب
پزشکی خرم‌آباد



علی معارف‌وند
پزشکی خرم‌آباد



شیدا امیری
پزشکی خرم‌آباد



فاطمه اسدی
پزشکی خرم‌آباد



کیاناگل کرمی
پزشکی خرم‌آباد



نرگس امین
پزشکی خرم‌آباد



محمد طاها عین‌القضاتی
پزشکی خرم‌آباد



پریر سافرقدین
پزشکی خرم‌آباد



نگار ساسکی
پزشکی خرم‌آباد





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

برگ‌های از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

علوم پزشکی سمنان

نسترن حمیدلکزا
پزشکی سمنان



حدیث‌حیدری
پزشکی سمنان



علیرضانظری
پزشکی سمنان



زهرا سلیمی‌نژاد
پزشکی سمنان



ثنامحبی
پزشکی سمنان



نگاربابائی
پزشکی سمنان



محمدطاهاساطع
دندانپزشکی سمنان



آیناتوری
دندانپزشکی سمنان



فائزه‌عباسی
پزشکی سمنان



ثمین‌یوسفی
دندانپزشکی سمنان



کیمیاطاهریان
دندانپزشکی سمنان



جوادفلاحتی
دندانپزشکی سمنان



سعیدیعقوبی
پزشکی سمنان



اشکان‌شعبانی
فیزیوتراپی سمنان



متین‌تاجور
دندانپزشکی سمنان



سید فاطمه‌جعفرزاده
پزشکی سمنان



نازنین‌عبداللہی
پزشکی سمنان



ماهورارجمند
پزشکی سمنان



یگانه‌قوانلو
پزشکی سمنان



نگین‌سلطانی
پزشکی سمنان



فاطمه‌جان‌نثار
پزشکی سمنان



احمدقربانی
پزشکی سمنان



مهشادمحمدی
پزشکی سمنان



امیرحسین وفائی‌نژاد
پزشکی سمنان



حانیه‌عشوندی
پزشکی سمنان



معصومه‌شاهسوند
پزشکی سمنان



علی‌حکاک
پزشکی سمنان



امیرحسین‌پریمی
دندان پزشکی سمنان



شهریارمهرجو
دندان پزشکی سمنان



علیرضالطفی
پزشکی سمنان



امیرحسین‌محمدی
فیزیوتراپی سمنان



هانیه‌حاجی‌پور
فیزیوتراپی سمنان



تینا ذوالفقاری
پزشکی سمنان



محدثه‌ولیزاده
فیزیوتراپی سمنان



امیررضابالو
پزشکی سمنان



بشری‌کیوانلو
پزشکی سمنان



محدثه‌سی‌سخت
داروسازی دامغان



مهدی‌وطن‌خواه
داروسازی دامغان



آرش شریفی‌سلطانی
دندانپزشکی سمنان

